



انگلیسی ۳

پایه دوازدهم
مشترک همه رشته ها

مؤلف و مدرس ویدئویی
ارشاد عظیمی

با توجه به اهمیت امتحان نهایی در قبولی دانشگاه، تصمیم گرفتیم کتابی ویژه امتحان نهایی تألیف کنیم که تمامی ابزارهای مورد نیاز دانش‌آموز برای کسب بهترین نمره ممکن را در اختیار او قرار دهد و به معنای واقعی، «فرمول بیست» باشد، در تألیف این کتاب، سعی کردیم پیش‌نیازی برای دانش‌آموز در نظر نگیریم و تمام بخش‌ها را از ساده‌ترین تا پیشرفته‌ترین نکات توضیح دهیم. اکثر سؤالات امتحان نهایی ساده یا متوسط هستند. ولی به منظور ایجاد رقابت و تفکیک دانش‌آموزان، چند سؤال دشوار هم در امتحان طرح می‌شود که جواب دادن به آن‌ها برای کسب رتبه‌های عالی واجب است. مشخص نیست که این چند سؤال دشوار قرار است در کدام بخش و از کدام درس باشند و هر سال هم می‌تواند نسبت به سال قبل متفاوت باشد. بنابراین سعی کردیم در تمام بخش‌های درس، بعد از پوشش کامل نکات ساده و متوسط، آمادگی لازم برای مواجهه با سؤالات خاص را هم در دانش‌آموز ایجاد کنیم.

با توجه به اهمیت کتاب درسی در امتحان نهایی، بخش‌بندی این کتاب بر اساس بخش‌بندی کتاب درسی انجام شده است. به این ترتیب، این کتاب به ۳۰ بخش کوچک تقسیم شده است که معلم یا دانش‌آموز می‌تواند متناسب با پیشروی درس در هر جلسه مطالعاتی، هر بار یک یا چند بخش را در برنامه درسی بگنجانند. تمام بخش‌ها با تمرین وازگان شروع شده‌اند که به دو قسمت «سؤالات وازگان مستقل این بخش» و «سؤالات وازگان ترکیبی با قبل» تقسیم شده‌اند. بخش «سؤالات وازگان مستقل این بخش» برای تمرین قدم به قدم وازگان آورده شده است. بخش «سؤالات وازگان ترکیبی با قبل» سه هدف مهم دارد. هدف اول، مرور وازگان است که اهمیت خیلی زیادی در یادگیری وازگان دارد. هدف دوم، بهبود کیفیت سؤالات است که با جامع‌تر شدن وازگان و طرح سؤالات ترکیبی میسر می‌شود. هدف سوم هم پوشش کامل وازگان درس است. تعداد لغات بخش‌های مختلف یکسان نیست، ولی به منظور ایجاد نظم در تمرینات کتاب، تعداد سؤالات وازگان تمام بخش‌ها یکسان آورده شده است. در بخش سؤالات ترکیبی، از بخش‌هایی که لغات بیشتری دارند، سؤالات بیشتری طرح شده تا تمام لغات درس در قالب سؤالات وازگان تمرین شوند. در بخش‌هایی که میحتی غیر از وازگان در آن‌ها مطرح است (درک مطلب، گرامر، مهارت شنیداری و نگارش)، مبحث مربوطه بعد از سؤالات وازگان آن بخش به‌طور کامل پوشش داده شده است. این بخش‌بندی متناسب با کتاب درسی، موجب سادگی استفاده از این کتاب چه در کلاس درس و چه به صورت خودآموز می‌شود.

در تمرینات بخش‌های مختلف این کتاب سعی کردیم تا حد امکان از وازگانی که فعلاً در کتاب دوازدهم خوانده نشده‌اند استفاده نکنیم. مهم‌ترین این‌که، سعی کردیم در صورت سؤالات تا حد امکان از لغات مهم سال‌های قبل که در کتاب درسی دوازدهم تکرار نشده‌اند استفاده کنیم تا این لغات برای دانش‌آموز مرور شوند. لغات سال‌های قبل پیش‌نیاز دوازدهم محسوب می‌شوند و ممکن است در امتحان، حداقل در صورت سؤالات به شکل تأثیرگذاری مورد استفاده قرار بگیرند. البته وجود لغات ناآشنا و خارج از کتاب در متن‌های بخش‌های درک مطلب، مهارت شنیداری و نگارش، طبیعی است و دانش‌آموز باید بدون در نظر گرفتن این لغات به سؤالات پاسخ دهد تا تمرین کافی برای درک مفهوم کلی متن داشته باشد. بدون در نظر گرفتن متن‌ها، هر لغتی که در صورت سؤالات، مخصوصاً سؤالات وازگان به کار رفته، جزو لغات مورد نیاز دانش‌آموز است. لیستی از این لغات پیش‌نیاز در ابتدای کتابچه وازگان آورده شده است.

در بخش گرامر، هم نکات درس‌نامه و هم سؤالات به سه سطح مقدماتی، متوسط و پیشرفته تقسیم شده‌اند. این سطح‌بندی مخصوص دانش‌آموزانی است که به سطح خاصی از نکات و سؤالات نیاز دارند. در مورد دانش‌آموزانی که می‌خواهند همه نکات را بخوانند و سؤالات همه سطوح را جواب بدهند، پیشنهاد ما این است که به سطح‌بندی سؤالات توجهی نداشته باشند و سؤالات همه سطوح را به صورت درهم‌ریخته جواب بدهند. در تمام امتحانات و آزمون‌ها، سؤالات چالشی در لابه‌لای سؤالات ساده پنهان می‌شوند و در ظاهر مشابه آن‌ها به نظر می‌رسند. دانش‌آموز باید در پاسخ‌گویی به تمام سؤالات دقت لازم را داشته باشد تا بتواند این سؤالات را تشخیص دهد و زمان و تمرکز بیشتری را صرف آن‌ها کند.

اعتقاد ما بر این است که آموزش، بدون رفع اشکال، ناقص است. با این دید، بیش از نیمی از زمانی که برای تألیف این کتاب گذاشته شده، صرف نوشتن پاسخ‌های تشریحی جامع شده است. سعی کردیم تمام مشکلات و خطاهای احتمالی را پیش‌بینی کنیم و به‌طور دقیق آن‌ها را مورد بررسی قرار دهیم تا اگر دانش‌آموز در بخشی دچار اشتباه شد، با مراجعه به پاسخ‌های تشریحی، از تکرار آن اشتباه جلوگیری شود. بنابراین پیشروی قدم به قدم با پاسخ‌نامه این کتاب، تسلط کاملی را برای دانش‌آموز ایجاد می‌کند.

8

INTRO

معرفی طرح درس

LESSON ONE

9

PART 1
Introduction
and Get Ready

11

PART 2
Conversation

13

PART 3
New Words and
Expressions

15

PART 4
Reading
and Reading
Comprehension

24

PART 5
Vocabulary
Development

26

PART 6
Grammar

48

PART 7
Listening
and Speaking

54

PART 8
Writing

61

PART 9
What
You Learned

63

PART 10
Workbook

171

ANSWERS

LESSON TWO

66

PART 1
Introduction
and Get Ready

68

PART 2
Conversation

70

PART 3
New Words and
Expressions

72

PART 4
Reading
and Reading
Comprehension

82

PART 5
Vocabulary
Development

84

PART 6
Grammar

102

PART 7
Listening
and Speaking

107

PART 8
Writing

112

PART 9
What
You Learned

114

PART 10
Workbook

305

WORKBOOK
ANSWERS

LESSON THREE

118

PART 1
Introduction
and Get Ready

120

PART 2
Conversation

122

PART 3
New Words and
Expressions

124

PART 4
Reading
and Reading
Comprehension

133

PART 5
Vocabulary
Development

135

PART 6
Grammar

150

PART 7
Listening
and Speaking

155

PART 8
Writing

167

PART 9
What
You Learned

169

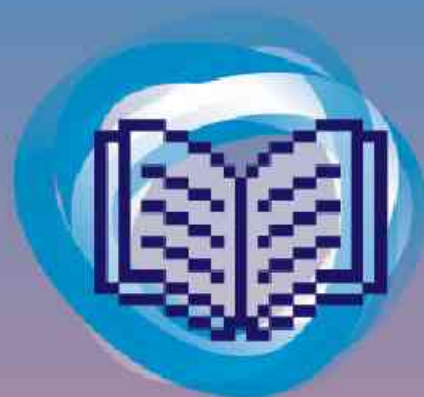
PART 10
Workbook

317

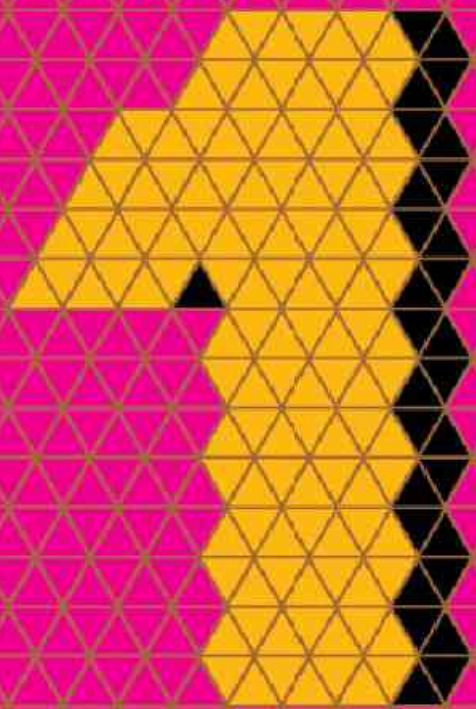
FINAL
EXAMS



www.gajlive.ir

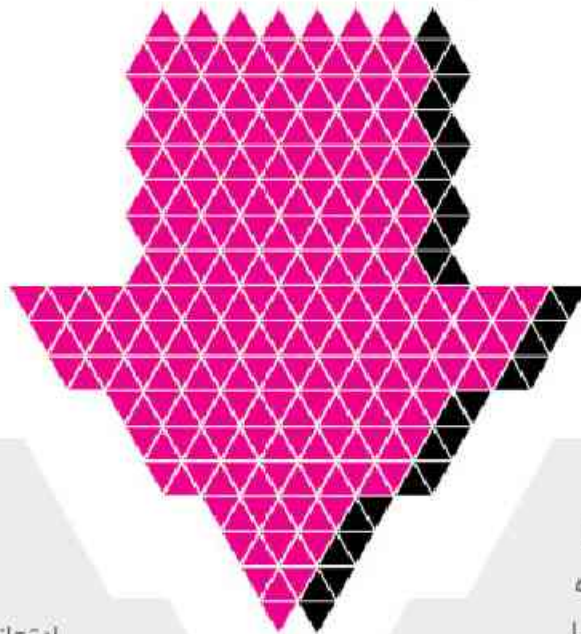


LESSON



**Sense of
Appreciation**

حتماً بخوانید!



امتحانات نهایی سال‌های قبل



سطح سؤالات
امتحانات نهایی قبل و بعد از
مصوبه جدید گنگور خیلی متفاوت
است. بنابراین در این کتاب فقط
امتحانات نهایی بعد از مصوبه جدید ملاک
قرار داده شده‌اند. با توجه به کم بودن تعداد این
امتحانات نهایی، سؤالات آن‌ها به صورت درس به درس
در این کتاب بخش نشده‌اند و همه آن‌ها در ضمیمه این
کتاب آورده شده‌اند تا بتوانیم از آن‌ها برای جمع‌بندی
آخر سال استفاده کنیم.

گرامر و واژگان سال‌های قبل



پیش‌نیاز که با مباحث سال
دوازدهم مرتبط هستند، همراه با
مبحث سال دوازدهم آموزش داده
شده‌اند. مباحث گرامری غیرمرتبط با
دوازدهم هم در امتحان نهایی سال دوازدهم
 مطرح نمی‌شوند. علاوه بر این، تمام لغات هفتم تا
دوازدهم در کتابچه واژگان آورده شده‌اند. بنابراین با
خواندن این کتاب، تمام پیش‌نیازهای گرامری و واژگانی
مورد نیاز برای امتحان نهایی را یاد می‌گیریم.

بخش بندی این کتاب



بخش بندی این کتاب کاملاً متناسب با کتاب درسی انجام شده است. به این ترتیب، هر درس به ۱۰ بخش
تقسیم شده است که همه آن‌ها واژگان دارند. در کتابچه واژگان، واژگان هر بخش به طور کامل بررسی شده و در
این کتاب، در ابتدای هر بخش، سؤالات واژگان مربوط به آن آورده شده است. در بخش‌هایی که چیزی به جز واژگان
هم دارند (درک مطلب، گرامر، سؤالات شنیداری و نگارش)، بعد از سؤالات واژگان، درس‌نامه و سؤالات مربوط به آن
بخش آورده شده است.

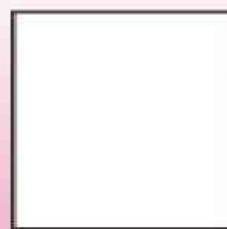


۵۵ ساعت آموزش
ویدئویی



کتاب
الکترونیکی

فرمول ۲۵ هیبرید یک کتاب نیست
یک دوره آموزشی کامل است



فرمول ۲۵ هیبرید گاج
کتاب اختصاصی ورود



www.gajlive.ir

سؤالات واژگان مستقل این بخش

(الف) با توجه به تصاویر، مشخص کنید کدام جمله مربوط به کدام تصویر است. (یک جمله اضافی است.)



61.



62.



63.



64.

- a. He was hard of hearing, so we had to speak loudly.
- b. She was happy because of her great score.
- c. His father was angry with him because he had broken the window.
- d. I have kept a diary since I learned how to read and write.
- e. She burst into tears when she heard the bad news.

(ب) جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

forgave

repeatedly

calmly

recorded

shouted

- 65. They _____ the names of those who died on a tablet.
- 66. He telephoned _____, crying and asking her to come back.
- 67. "I want to go now," Danny _____ at the top of his voice.
- 68. I was shocked because she reacted _____ to the bad news.

(پ) برای هر کلمه مشخص شده از ستون A یک تعریف از ستون B انتخاب کنید. (درستون B یک تعریف اضافی است.)

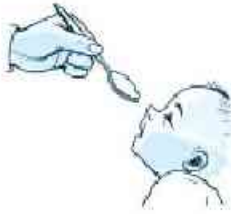
A	B
69. Young children often have difficulty expressing themselves.	a. the act of putting your arms around someone and holding them
70. There is only one seat, so you'll have to sit on my lap !	b. the upper part of your legs when you are sitting down
71. The vase landed on the floor but didn't break.	c. to tell or show what you are feeling or thinking
72. They greeted the guests with hugs and kisses.	d. to say something in a very loud voice
	e. something used to put flowers in or for decoration

(ت) جاهای خالی را با دانش واژگانی خود کامل کنید. (با توجه به حروف مشخص شده و تعداد خط چین‌ها)

- 73. We'll have to be **q** _____ so as not to wake the baby.
- 74. A **p** _____ is a brown or gray bird that often lives in cities.
- 75. As he listened to the music, his eyes filled with **t** _____ s.

سؤالات واژگان ترکیبی با قبل

(الف) با توجه به تصاویر، کلمات ناقص را کامل کنید. (هر خط تیره نشانگر یک حرف است.)



76.



77.



78.

76. We _____ the kids and then started to get ready to leave.
 77. You can record your _____ or feelings or what has happened every day in a diary.
 78. He _____ my disease when I sneezed near him.

(ب) جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

elderly

lovely

friendly

suddenly

painfully

79. The little girl was _____ shy and couldn't talk to others.
 80. I was sitting in the hotel lobby when she _____ started to talk to me.
 81. We should give up our seat to a/an _____ person on the bus.
 82. We spent a/an _____ week by the sea this year.

(پ) برای هر کلمه مشخص شده از ستون A یک تعریف از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک تعریف اضافی است.)

	A
83.	I know what he did was wrong, but don't you think it's time to forgive and forget?
84.	Jenny didn't have the strength to talk to him alone.
85.	He is too young and cannot distinguish between right and wrong.
86.	The movie has subtitles for deaf people and those who are hard of hearing .

	B
a.	the ability to do things that need a lot of power
b.	to not remember facts, information or other things
c.	to stop being angry with someone
d.	not being able to hear very well
e.	to understand the difference between two people or things

(ت) گزینه صحیح را انتخاب کنید.

87. There are _____ that the situation is improving.
 a) scores b) pains c) kinds d) signs
 88. Nobody knows what will _____ in the future.
 a) happen b) burst c) guess d) receive
 89. I love her novels because her writing is full of colorful _____.
 a) vases b) expressions c) members d) temperatures
 90. The actress _____ herself to helping the poor children.
 a) dedicated b) felt c) recorded d) lowered

درس نامه بخش اول گرامر

معلوم و مجهول و زمان‌ها

نکات گرامری این کتاب به سه سطح elementary (مقدمانی)، intermediate (متوسط) و advanced (پیشرفته) تقسیم شده‌اند. نکات مقدمانی، اولیه‌ترین نکات هر مبحث هستند که سوالات ساده امتحان نهایی را پوشش می‌دهند. نکات متوسط برای جواب دادن به سوالات خاص‌تر امتحان نهایی هستند. نکات پیشرفته هم مخصوص دانش‌آموزانی هستند که حتی در سخت‌ترین حالت ممکن امتحان نهایی، به نمره ۱۹/۷۵ راضی نیستند!

مبحثی که در این بخش با آن آشنا می‌شویم مهم‌ترین مبحث گرامری کتاب زبان دوازدهم است، چون علاوه بر سوالات مستقیم خود این مبحث، در سوالات مباحث دیگر هم می‌توان از آن استفاده کرد. در واقع این مبحث پیش‌تیار تمام مباحث گرامری کتاب زبان دوازدهم است. پس باید خوب و با دقت این درس را بخوانیم تا تسلط کامل روی آن داشته باشیم.

elementary

مقدمانی

تعریف معلوم و مجهول

این دو جمله را بخوانید و ببینید چه فرقی با هم دارند:

۱) مریم نامه‌ها را می‌نویسد. ۲) نامه‌ها نوشته می‌شوند.

در جمله اول، اسمی که در ابتدای جمله آمده انجام‌دهنده کار است (مریم انجام‌دهنده عمل نوشتن است). ولی در جمله دوم، اسمی که در ابتدای جمله آمده انجام‌دهنده کار نیست، بلکه کار روی آن انجام شده است (عمل نوشتن روی نامه‌ها انجام شده است). در جمله دوم، اسم «نامه‌ها» جای فاعل نشسته است، ولی در واقع فاعل اصلی از جمله حذف شده و مفعول جای فاعل آورده شده است. به جمله اول «جمله معلوم» و به جمله دوم «جمله مجهول» گفته می‌شود؛ یعنی:

جمله معلوم: جمله‌ای است که فاعل و انجام‌دهنده آن مشخص است و در ابتدای جمله آمده است.

جمله مجهول: جمله‌ای است که فاعل و انجام‌دهنده آن از جمله حذف شده و مفعول جای فاعل نشسته است.

elementary

مقدمانی

ساختن جمله مجهول

در زبان انگلیسی برای ساختن فعل مجهول از ساختار **be + p.p.** استفاده می‌کنیم. برای تبدیل یک جمله معلوم به مجهول باید مراحل را طی کنیم. مثالی را که در اول درس در مورد مریم و نامه‌ها گفتیم در نظر بگیرید. ترجمه انگلیسی جمله اول که به شکل معلوم آمده بود (مریم نامه‌ها را می‌نویسد) این جمله می‌شود:

Maryam writes the letters.

مفعول فعل فاعل

حالا ببینید این جمله را مرحله به مرحله یا هم مجهول کنیم تا به جمله دوم (نامه‌ها نوشته می‌شوند) برسیم:

Maryam writes the letters. → The letters writes.

۱) فاعل جمله معلوم را حذف می‌کنیم و مفعول را جای آن می‌نشانیم:

The letters writes. → The letters are written.

۲) فعل جمله را به شکل **be + p.p.** می‌نویسیم:

فعل **be** با توجه به زمان و شخص جمله صرف می‌شود و به یکی از اشکال **am, is, are, was, were, be, being, been** می‌شود. مثلاً زمان این جمله حال ساده است و قبل از **be** اسم جمع **(the letters)** داریم، پس **be** باید در این جمله به شکل **are** آورده شود.

اسم مفعول **(p.p.)** در این فرمول ثابت است و تغییری نمی‌کند. اسم مفعول در مورد افعال با قاعده با اضافه کردن **ed** به انتهای فعل ساخته می‌شود و در مورد افعال بی قاعده، همان شکل سوم فعل است که لیست آن همراه با معنی در انتهای کتابچه واژگان آورده شده است. فعل **write** که در این جمله آمده بی قاعده است و اسم مفعول آن **written** می‌شود.

۳) **اختیاری:** اگر بخواهیم می‌توانیم فاعل اصلی را که از جمله حذف شده، همراه با **by** بعد از فعل مجهول بنویسیم. حواسمان باشد که در این حالت همچنان جمله مجهول است، چون فاعل سر جای خودش نیامده و مفعول جای فاعل نشسته است:

The letters are written (by Maryam).

● در مرحله اول تبدیل جمله معلوم به مجهول گفتیم که مفعول را جای فاعل می‌نشانیم. در این مرحله اگر مفعول اسم باشد که تغییری نمی‌کند، ولی اگر مفعول به شکل «ضمیمه مفعولی» باشد، باید آن را به «ضمیمه فاعلی» تبدیل کنیم، چون جای فاعل نشسته است:

She writes them. → They are written.

ضمیمه فاعلی ضمیمه مفعولی

● در مرحله سوم گفتیم که اگر بخواهیم می‌توانیم فاعل اصلی را که از جمله حذف شده، همراه با **by** بعد از فعل مجهول بنویسیم. در این مرحله اگر فاعل اسم باشد که هیچ، ولی اگر فاعل به شکل «ضمیمه فاعلی» باشد، باید آن را به «ضمیمه مفعولی» تبدیل کنیم:

She writes them. → They are written by her.

ضمیمه فاعلی

ضمیمه مفعولی

ترکیب با زمان ها

مبحث معلوم و مجهول همیشه با مبحث زمان ها ترکیب می شود. معمولاً بخش چالشی و پرخطای سؤال، مربوط به انتخاب زمان مناسب است. تمام زمان هایی که در کتاب های درسی مطرح شده اند، در جدول زیر آمده اند. باید این جدول را با دقت خیلی زیاد یاد بگیریم تا بتوانیم هر فعلی را به صورت معلوم و مجهول در هر زمانی که جمله به آن نیاز داشته باشد، بسازیم:

حال ساده			Simple Present
معلوم	او کتاب را می نویسد.	He <u>writes</u> the book.	شکل ساده فعل (سوم شخص مفرد یا S)
مجهول	کتاب نوشته می شود.	The book <u>is written</u> .	am/is/are + p.p.
گذشته ساده			Simple Past
معلوم	او کتاب را نوشت.	He <u>wrote</u> the book.	شکل گذشته فعل (با ed یا بی قاعده)
مجهول	کتاب نوشته شد.	The book <u>was written</u> .	was/were + p.p.
حال استمراری			Present Continuous
معلوم	او دارد کتاب را می نویسد.	He <u>is writing</u> the book.	am/is/are + ing
مجهول	کتاب دارد نوشته می شود.	The book <u>is being written</u> .	am/is/are + being + p.p.
گذشته استمراری			Past Continuous
معلوم	او داشت کتاب را می نوشت.	He <u>was writing</u> the book.	was/were + ing
مجهول	کتاب داشت نوشته می شد.	The book <u>was being written</u> .	was/were + being + p.p.
حال کامل (معادل ماضی نقلی فارسی)			Present Perfect
معلوم	او کتاب را نوشته است.	He <u>has written</u> the book.	have/has + p.p.
مجهول	کتاب نوشته شده است.	The book <u>has been written</u> .	have/has + been + p.p.
گذشته کامل (معادل ماضی بعید فارسی)			Past Perfect
معلوم	او کتاب را نوشته بود.	He <u>had written</u> the book.	had + p.p.
مجهول	کتاب نوشته شده بود.	The book <u>had been written</u> .	had + been + p.p.
آینده			Future
معلوم	او کتاب را خواهد نوشت.	He <u>will write</u> the book.	فعل ساده + will
مجهول	او کتاب را خواهد نوشت.	He <u>is going to write</u> the book.	فعل ساده + be going to
مجهول	کتاب نوشته خواهد شد.	The book <u>will be written</u> .	will + be + p.p.
مجهول	کتاب نوشته خواهد شد.	The book <u>is going to be written</u> .	be going to + be + p.p.

● فعلاً زمان گذشته کامل را نخوانده ایم و قرار است در درس سوم با آن شویم. ولی قبل از این که به درس سوم برسیم، در بعضی مباحث لازم است اشاره هایی به این زمان داشته باشیم. برای این که این جدول کامل باشد و در مباحث بعدی مشکلی نداشته باشیم، زمان گذشته کامل را هم در جدول آورده ایم. فعلاً ساختار این زمان را در کنار بقیه زمان ها یاد بگیریم. نکات مربوط به کاربرد این زمان مهم را در درس سوم بررسی می کنیم.

کاربرد حال کامل

در درس ۲ یاد هم با زمان حال کامل آشنا شدیم. چون این زمان خیلی مهم و پرکاربرد است، باید جداگانه آن را بررسی کنیم. دو نکته مهم را در مورد این زمان باید همیشه در ذهن داشته باشیم:

● نکته اول این که باید اسم این زمان را درست بگوییم. معادل فارسی این زمان «ماضی نقلی» است، ولی در انگلیسی به این زمان Present Perfect یعنی «حال کامل» گفته می شود؛ یعنی در انگلیسی این زمان حال محسوب می شود، نه گذشته. اگر به این زمان بگوییم ماضی نقلی، ممکن است در بعضی سؤالات، زمان جمله را اشتباه انتخاب کنیم.

● نکتهٔ دومی که در مورد این زمان مهم است این است که انتخاب آن نباید صرفاً از روی ترجمه انجام شود. در کل، در مورد زمان‌های کامل (حال کامل و گذشتهٔ کامل) خیلی وقت‌ها ممکن است مجبور شویم از زمان‌های دیگری در ترجمه استفاده کنیم. پس باید به کاربرد آن‌ها توجه کنیم، نه صرفاً ترجمهٔ فعل جمله. به مثال‌هایی که در ادامه می‌بینیم توجه کنید تا بهتر متوجه غیرترجمه‌ای بودن زمان حال کامل شوید.

دو کاربرد مهم: همان‌طور که گفتیم، باید به جای ترجمه، روی کاربرد زمان حال کامل تمرکز کنیم. این زمان دو کاربرد اصلی دارد. به دو مفهوم این جمله انگلیسی توجه کنید:

1 اشاره به عملی که در گذشته شروع شده و تا حال ادامه دارد؛ یعنی ده سال پیش شروع به خواندن انگلیسی کرده‌ام و هنوز هم می‌خوانم. در فارسی شاید بهتر باشد از زمان دیگری استفاده کنیم و بگوییم: ده سال است که دارم انگلیسی می‌خوانم. به خاطر همین است که می‌گوییم این زمان غیرترجمه‌ای است.

2 اشاره به عملی که در گذشته شروع و تمام شده و آثار حال آن مدنظر است؛ یعنی در گذشته ده سال انگلیسی خوانده‌ام و دیگر نمی‌خوانم، ولی انگلیسی بلدم. مثلاً این که کسی می‌گوید می‌توانی این جمله را برای من ترجمه کنی؟ من در جواب می‌گویم: بله، من ده سال انگلیسی خوانده‌ام. یعنی روی آثار حال عمل گذشته تأکید داریم که الان انگلیسی بلدم.

● پس به‌طور خلاصه می‌توانیم بگوییم که تأکید هر دو کاربرد زمان حال کامل روی «حال» است؛ این که یک عملی گذشته، خود آن تا «حال» ادامه دارد یا آثار «حال» آن مدنظر است.

intermediate

متوسط

قیدهای مجاز برای حال کامل

زمان حال کامل معمولاً با قیدهایی خاصی همراه می‌شود. البته باید توجه داشته باشیم که این قیدها مخصوص حال کامل و نشانهٔ قطعی این زمان نیستند و نباید تا آن‌ها را دیدیم چشم بسته سراغ زمان حال کامل برویم. حتی since که خیلی وقت‌ها با حال کامل می‌آید، می‌تواند با زمان گذشتهٔ کامل (درس ۳ دوازدهم) یا زمان‌های دیگری هم همراه شود. به همین دلیل است که عنوان این نکته را «قیدهای مجاز برای حال کامل» گذاشتیم، نه نشانه‌های حال کامل! بنابراین همیشه باید به مفهومی که این قیدها به جمله می‌دهند، دقت داشته باشیم. مهم‌ترین قیدهایی که می‌توانند با زمان حال کامل به کار بروند در ادامه آورده شده‌اند. در این مثال‌ها به جای قید نسبت به فعل دقت کنید:

مثال	معنی	قید
من از وقتی که ده سال بود در این جا زندگی کرده‌ام.	از، از وقتی که	since
من به مدت بیست سال در این جا زندگی کرده‌ام.	برای، به مدت	for
ما تا به حال او را ندیده‌ایم.	تا به حال، تاکنون	so far
من اخیراً سرم خیلی شلوغ بوده است.	اخیراً، این اواخر	lately
من قبلاً این کتاب را خوانده‌ام.	قبلاً	before
او هرگز به ایتالیا نرفته است.	هرگز، هیچ وقت	never
او تا به حال به ایتالیا نرفته است.	تا به حال، تاکنون	ever
من همیشه خواسته‌ام به ایتالیا بروم.	همیشه	always
او تازه از ایتالیا برگشته است.	تازه، همین الان	just
آن‌ها هنوز آن کار را تمام نکرده‌اند.	هنوز	yet
او اخیراً یک ماشین جدید خریده است.	اخیراً، این اواخر	recently
من قبلاً بلیت‌ها را رزرو کرده‌ام.	قبلاً، همین حالا هم	already
(با فعل منفی) من هنوز تکالیفم را تمام نکرده‌ام.	هنوز	still

قیدهای غیرمجاز برای حال کامل

علاوه بر قیدهایی که پیش از این توضیح دادیم و گفتیم که «می‌توانند» با حال کامل بیایند، قیدهایی هم هستند که «نمی‌توانند» با حال کامل آورده شوند. قیدهای زمانی مشابه مواردی که در زیر آورده شده‌اند و صرفاً به زمان به خصوصی در گذشته اشاره دارند، نباید با حال کامل همراه شوند:

yesterday	دیروز	two years ago	دو سال پیش
in 1987	در سال ۱۹۸۷	a long time ago	خیلی وقت پیش
last year	پارسال	the other day	چند روز پیش
last century	قرن پیش	when I was a child	وقتی که بچه بودم

● نیامدن این قیدهای زمان با حال کامل یک «خط قرمز» است؛ یعنی حتی اگر مفهوم جمله برای حال کامل مناسب باشد، باز هم آمدن این قیدهای زمان باعث می‌شود که نتوانیم زمان حال کامل را به کار ببریم. مثال زیر را با دقت بخوانید و فعل داخل پرانتز را به شکل صحیح در جای خالی بنویسید:

● The house _____ in 1827, but it is still really strong. (to build)

برای جواب دادن به این سؤال، هم باید معلوم یا مجهول بودن فعل داخل پرانتز را تشخیص بدهیم و هم باید زمان مناسب برای جمله را پیدا کنیم.

تشخیص معلوم یا مجهول: فعل build (ساختن) در این جمله باید به شکل مجهول آورده شود، چون اسمی که قبل از جای خالی آمده (house) مفعول عمل ساختن است، نه این که خانه خودش فاعل ساختن باشد و چیزی را ساخته باشد. پس جواب صحیح باید be + p.p. داشته باشد.

تشخیص زمان: برای انتخاب زمان، اگر بخواهیم صرفاً ترجمه‌ای عمل کنیم، زمان حال کامل برای این جمله کاملاً مناسب به نظر می‌رسد، چون در فارسی این جمله را به این شکل می‌گوییم: این خانه در سال ۱۸۲۷ «ساخته شده است». ولی هنوز هم واقعاً محکم است. همان‌طور که قبلاً گفتیم، برای انتخاب زمان حال کامل، نمی‌توانیم فقط به ترجمه اتکا کنیم. بیا بید مفهوم حال کامل را چک کنیم. از نظر مفهومی هم زمان حال کامل برای تکمیل این جمله مناسب به نظر می‌رسد، چون این جمله به عملی اشاره دارد که در گذشته انجام شده و آثار حال آن مد نظر است. خانه در گذشته ساخته شده و آثار حال آن این است که هنوز هم محکم است. ولی چیزی که همه این استدلال‌ها را باطل می‌کند این است که بعد از جای خالی، قید زمان گذشته in 1827 آمده است. همان‌طور که گفتیم، این قیدهای زمان «خط قرمز» هستند و حتی نسبت به مفهوم حال کامل هم اولویت دارند. با این توضیحات، تنها زمان مناسب برای تکمیل این جمله، زمان گذشته ساده است، آن هم به شکل مجهول. بنابراین جواب این سؤال was built است.

● تنها حالتی که می‌توانیم این قیدهای زمان را با حال کامل بیاوریم این است که آن‌ها را با since همراه کنیم. در این حالت مفهوم از گذشته تا حال پیدا می‌کنند و کاربردشان با حال کامل ایرادی ندارد. به دو مثال زیر توجه کنید که اولی اشتباه و دومی درست است:

✗ I haven't seen him yesterday. من دیروز او را ندیده‌ام.
 ✓ I haven't seen him since yesterday. من از دیروز (تا حالا) او را ندیده‌ام.

پایه گذشته

گاهی اوقات در ابتدای جمله چیزی شبیه پایه آورده می‌شود؛ یعنی عبارتی که بقیه جمله روی آن بنا شده است؛ عبارت‌هایی مثل I think (that) یا I thought (that) که کلمه that می‌تواند از انتهای آن‌ها حذف شود. در این حالت، اگر پایه به شکل حال باشد (مثل I think)، هیچ تأثیری روی زمان ادامه جمله نمی‌گذارد و ادامه جمله ممکن است هر زمانی داشته باشد. ولی اگر این پایه به شکل گذشته باشد (مثل I thought)، در زبان انگلیسی ادامه همان جمله حتماً باید یک جور زمان گذشته داشته باشد.

چیزی که خیلی وقت‌ها ما را به اشتباه می‌اندازد این است که این نکته در فارسی وجود ندارد و بنابراین، در این حالت معمولاً زمان جملات فارسی و انگلیسی با هم جور در نمی‌آید. مثلاً در جملات فارسی زیر، بخش اول جمله گذشته است، ولی بخش دوم زمان‌های مختلفی دارد که همه هم درست هستند:

✓ فکر کردم داری دنبالم می‌آیی. ✓ او گفت به مهمانی خواهد آمد. ✓ شنیدم او در امتحان قبول شده است.

اگر بخواهیم این جملات فارسی را دقیقاً با همین زمان به انگلیسی ترجمه کنیم، این جملات اشتباه ساخته می‌شوند:

✗ I thought you are following me. ✓ فکر کردم داری دنبالم می‌آیی.
 ✗ He said he will come to the party. ✓ او گفت به مهمانی خواهد آمد.
 ✗ I heard he has passed the exam. ✓ شنیدم او در امتحان قبول شده است.

برای اصلاح این جملات انگلیسی، باید نکته «پایه گذشته» را رعایت کنیم و در ادامه این پایه، از افعال گذشته استفاده کنیم. بنابراین باید به جای will, are و has، شکل گذشته آن‌ها، یعنی were, would و had را بیاوریم:

✓ I thought you were following me. ✓ فکر کردم داری دنبالم می‌آیی.
 ✓ He said he would come to the party. ✓ او گفت به مهمانی خواهد آمد.
 ✓ I heard he had passed the exam. ✓ شنیدم او در امتحان قبول شده است.

- حواسمان باشد که زمان حال کامل هم حال است و نمی تواند بعد از پایه گذشته بیاید. اگر اسم این زمان را ماضی نقلی بگوییم، ممکن است به اشتباه آن را گذشته در نظر بگیریم و فکر کنیم که آمدن آن بعد از پایه گذشته مشکلی ایجاد نمی کند.
- شاید بعضی وقت ها در انگلیسی محاوره ای ببینیم که نکته «پایه گذشته» رعایت نشده است. رعایت نشدن این نکته جزو اشتباهات محاوره ای است که در هر زبانی وجود دارد. موقع جواب دادن به سوالات گرامر یا نوشتن یک متن رسمی، حتماً باید نکات گرامری را رعایت کنیم.

advanced

افعالی که مجهول نمی شوند

بیشترفته

لازمه مجهول کردن جمله، متعدی بودن فعل و داشتن مفعول است. بنابراین فعلی که متعدی نباشد نمی تواند مجهول شود. چون مفعولی ندارد که جای قاعل بنشیند! بعضی از افعال می توانند هم متعدی و هم لازم باشند؛ مثل increase (افزایش دادن/ یافتن). این افعال می توانند در معنی متعدی خود مجهول شوند. ولی افعالی که فقط لازم هستند، هیچ وقت نمی توانند مجهول شوند. مهم ترین افعال مجهول نشدنی کتاب دوازدهم در زیر آورده شده اند:

arrive	رسیدن	last	دوام آوردن؛ طول کشیدن	seem	به نظر رسیدن
appear	ظاهر شدن؛ به نظر رسیدن	cost	هزینه داشتن	sound	به نظر رسیدن
disappear	ناپدید شدن	consist of	متشکل بودن از	succeed	موفق شدن
happen	اتفاق افتادن	grow up	بزرگ شدن	sleep	خوابیدن
exist	وجود داشتن	die	مردن	cooperate	همکاری کردن
belong	متعلق بودن	lie	دراز کشیدن؛ قرار داشتن	flock	جمع شدن، گرد آمدن

advanced

افعالی که دو جور مجهول می شوند

بیشترفته

بعضی از افعال در زبان انگلیسی دومفعولی هستند، که البته ما در فارسی معمولاً یکی از این دو را متمم در نظر می گیریم. افعال دومفعولی مفهوم «منتقل کردن چیزی به کسی» را دارند. در این حالت، هم آن «چیزی» که منتقل می شود و هم «گیرنده» مفعول محسوب می شوند. هر کدام از این مفعول ها می توانند جای فاعل بیابند و جمله را مجهول کنند. تفاوت خاصی بین این دو حالت مجهول وجود ندارد و در انگلیسی فقط کمی تفاوت تأکیدی دارند. به عنوان مثال، به کاربرد افعال دومفعولی give و tell در جملات زیر توجه کنید:

I gave Ali a book, or, I gave a book to Ali.

→ Ali was given a book.

→ A book was given to Ali.

I told her the news, or, I told the news to her.

→ She was told the news.

→ The news was told to her.

جمله معلوم؛ من یک کتاب به علی دادم.

جمله مجهول اول؛ به علی یک کتاب داده شد.

جمله مجهول دوم؛ یک کتاب به علی داده شد.

جمله معلوم؛ من خبر را به او گفتم.

جمله مجهول اول؛ به او آن خبر گفته شد.

جمله مجهول دوم؛ آن خبر به او گفته شد.

advanced

by یا with

بیشترفته

در اوایل درس در بخش «ساختن جمله مجهول» گفتیم که اگر بخواهیم می توانیم فاعل اصلی را که از جمله حذف شده، همراه با by بعد از فعل مجهول بنویسیم. بعضی وقت ها به جای by از حرف اضافه with استفاده می شود که از نظر مفهومی تفاوت دارد. همراه با by، فاعل حذف شده، یعنی انجام دهنده کار را می آوریم، ولی همراه با with، وسیله انجام کار آورده می شود؛ یعنی وسیله ای که کسی با استفاده از آن، کار را انجام داده است. در فارسی ممکن است هر کدام از این دو حرف اضافه را «با، به وسیله، توسط» معنی کنیم. پس طبق معمول، به جای این که صرفاً به ترجمه اتکا کنیم، باید مفهوم جمله را در نظر بگیریم و ببینیم که به «انجام دهنده کار» اشاره شده یا به «وسیله انجام کار». به این مثال ها توجه کنید:

The window was broken by a boy.

پنجره توسط یک پسر شکسته شد. (پسر انجام دهنده کار است.)

The window was broken with a stone.

پنجره توسط یک سنگ شکسته شد. (سنگ وسیله انجام کار است.)

● نکته ای که مهم است این است که کاری یا انسان یا غیرانسان بودن اسمی که بعد از by یا with می آید نداریم، چون خیلی وقت ها ممکن است انجام دهنده کار، غیرانسان باشد. تنها چیزی که مهم است این است که داریم به «انجام دهنده کار» اشاره می کنیم یا به «وسیله انجام کار». مثلاً در جمله زیر، زلزله انجام دهنده عمل ویران کردن است، نه این که کسی به وسیله زلزله خانه را ویران کرده باشد! بنابراین زلزله را با by می آوریم:

The house was destroyed by the earthquake.

خانه توسط زلزله ویران شد. (زلزله انجام دهنده کار است.)

سؤالات بخش اول گرامر

سؤالات گرامر هم متناسب با درس نامه گرامر، به سه سطح elementary (مقدمانی)، intermediate (متوسط) و advanced (پیشرفته) تقسیم شده اند. این سطح بندی به ترتیب با حروف A و I, E در کنار سؤالات مشخص شده تا در صورت نیاز، به راحتی بتوانید سؤالات سطح مورد نظر خود را پیدا کنید. اگر همه نکات درس نامه گرامر را خوانده اید و می خواهید سؤالات همه سطوح را به صورت درهم ریخته و بدون سطح بندی جواب بدهید، می توانید به حروفی که در کنار سؤالات نوشته شده توجهی نکنید.

الف) گزینه صحیح را انتخاب کنید.

- E 241. We to dinner last Monday night, and we had a good time.
a) have invited b) were inviting c) were invited d) have been invited
- E 242. A new hospital near the airport next year.
a) is going to build b) has been built c) is going to be built d) will build
- E 243. This stone bridge two times over the last three years.
a) has repaired b) has been repaired c) is repaired d) is being repaired
- A 244. A: "I'm going to call them and ask them to send me the new catalog."
B: "You don't need to call them. I have the new catalog. It last week."
a) was arrived b) has arrived c) arrived d) has been arrived
- E 245. I can't lend you my camera. It this week.
a) is being repaired b) is repairing c) will repair d) has repaired
- E 246. Today there are more than 1000 languages. Some by many millions of people, others by only a few thousand.
a) are spoken b) be spoken c) were spoken d) spoken
- E 247. There were some problems at first, but it seems that all of them
a) have solved b) has been solved
c) was solved d) have been solved
- I 248. This college in 1793 by some rich families who wanted to improve the quality of education in their hometown.
a) was found b) was founded
c) has been found d) has been founded
- E 249. It for a long time that there is no life on the Moon.
a) has thought b) is thought
c) has been thought d) thinks
- I 250. The windows of the building in a storm a few days ago.
a) was broken b) broke
c) have been broken d) were broken
- A 251. We someone else since you couldn't answer the question.
a) asked b) have been asked c) have asked d) were asked

- E 252.** It's a big company. Five hundred people _____ there.
 a) are employed b) is employed c) employs d) being employed
- E 253.** I couldn't type the letter because the computer _____ just when I needed it.
 a) was using b) was used c) was being used d) has used
- I 254.** I didn't know that our conversation _____.
 a) was recording b) is being recorded c) was being recorded d) will be recorded
- E 255.** Many types of cancer _____ by dietary factors.
 a) have been causing b) is caused c) are causing d) are caused
- E 256.** Do you know that Maria _____ as a computer programmer of the company?
 a) was inviting b) will be inviting c) has been invited d) is inviting
- E 257.** The word "stupid" was in my report, but it _____ to you.
 a) hasn't referred b) didn't refer c) isn't referred d) wasn't referred
- E 258.** Many apartments _____ for the poor employees during the last five years.
 a) are built b) were building c) have built d) have been built
- A 259.** The collection of stories written by that author _____ by a famous publication.
 a) will be published b) are going to be published
 c) have been published d) are published
- I 260.** While you are inside the house, it _____ much different to any other large, old house.
 a) isn't felt b) hasn't felt c) hasn't been felt d) doesn't feel
- E 261.** Today, a large number of people _____ to take part in the Olympic Games.
 a) allow b) are allowed c) have allowed d) has been allowed
- I 262.** What I didn't like about the hotel was that it _____ when we stayed there.
 a) still was being painted b) was still being painted c) has still been painted d) still hasn't painted
- I 263.** A: "I think I _____ my pen when I was getting off the bus."
 B: "Don't worry. You can buy a new one here."
 a) was lost b) lost c) was losing d) have lost
- I 264.** He said he _____ to sit silently while they were talking on the phone.
 a) asked b) was asked c) has been asked d) was asking
- I 265.** He will be surprised to hear that the house _____ just two years ago.
 a) was built b) built c) has built d) has been built
- E 266.** The teacher is angry because only one of the questions _____ correctly.
 a) has been answered b) are answered c) were answered d) has answered
- E 267.** I'm afraid I _____ the English homework. Would you give me some more time?
 a) haven't finished b) wasn't finishing c) haven't been finished d) wasn't finished
- E 268.** Over five thousand people _____ since the war began.
 a) were killing b) were being killed c) have killed d) have been killed
- A 269.** My father let me play with John because he _____ to be a very polite boy.
 a) has believed b) has been believed c) believed d) was believed

- E 270. He says some employees _____ a lot of money for doing very little.
a) are paying b) have paid c) are being paid d) pay
- E 271. I didn't see the original document, but I _____ a copy.
a) will show b) was shown c) have shown d) am shown
- E 272. The cake was taken upstairs and _____ by the children.
a) eaten b) has eaten c) be eaten d) is eaten
- E 273. In many countries, this ceremony _____ every four years.
a) is held b) has held c) was being held d) holds
- E 274. He _____ right by me without saying hello or even noticing I was there.
a) was walked b) is walked c) walks d) walked
- I 275. It was past midnight and no one was in the street. But as I was walking home, I felt I _____ in the dark.
a) was following b) was being followed c) have been followed d) am being followed
- E 276. The park _____ since last weekend because a film is being shot there.
a) is closed b) has closed c) closed d) has been closed
- A 277. A neighbor of mine _____ six months ago. He has not been seen since then.
a) has disappeared b) has been disappeared c) disappeared d) was disappeared
- E 278. These tennis courts _____ very often. Not many people want to play.
a) haven't used b) didn't use c) wasn't used d) aren't used
- E 279. I used to have a bicycle, but it _____ and now I have to take the bus every day.
a) is stolen b) was stolen c) was stealing d) has stolen
- I 280. The police _____ for a missing boy who is believed to be wearing a white sweater and blue jeans.
a) are looking b) have been looked c) is looking d) has looked
- E 281. It _____ that the building has been badly damaged by the fire.
a) has reported b) was reporting c) is reporting d) is reported
- E 282. If you aren't careful what you're doing with that hammer, someone _____ in a minute.
a) will hurt b) will be hurt c) is hurt d) has been hurt
- A 283. Before you buy the car, you should know when _____.
a) was it produced b) did it produce c) has it been produced d) it was produced
- E 284. I hope he _____ to our cousins' house before I leave so I can hear some interesting stories.
a) got b) will get c) is got d) will be got
- E 285. Machines _____ to do many different difficult jobs nowadays.
a) are used b) have used c) have been used d) used
- E 286. A movie which is about the lives of two great scientists _____ in Hollywood right now.
a) are making b) are being made c) is made d) is being made
- E 287. The teacher said, "Some books _____ for the students who want to know more about this subject soon."
a) provide b) would provide c) will be provided d) were provided
- E 288. Adam _____ in the company for 30 years, and he doesn't like it when he is given orders by newcomers.
a) has worked b) has been worked c) worked d) was worked

- A 289.** The man who lived next door _____ a knife.
a) killed by b) killed with c) was killed by d) was killed with
- A 290.** He _____ that they lived in a big city far from his small town.
a) told b) was told c) has told d) tells
- ب) شکل صحیح فعل داخل پرانتز را در جای خالی بنویسید.**
- E 291.** The company is quite old. It _____ in 1935. (to found)
- E 292.** About 300 new books _____ for the library since last year. (to buy)
- E 293.** He _____ abroad to work in a bank, but he hated it. (to send)
- E 294.** She phoned the police and _____ being attacked outside her home. (to report)
- A 295.** A few minutes after the accident, the injured man _____ by air ambulance to the nearest hospital. (to fly)
- E 296.** I never found the book I was looking for. I think it _____ when we moved to our new house. (to lose)
- I 297.** Is the novel _____ at the moment, or can I read it? (to read)
- E 298.** Nobody was hurt in the accident, so the ambulance _____. (not to call)
- E 299.** Peter _____ to sing for many years. I think we can call him a professional singer now. (to teach)
- I 300.** The room looks different. _____ something new _____ ? (to add)
- E 301.** No one knows the exact address, but he _____ to be somewhere in Russia. (to think)
- E 302.** You _____ the questions a few minutes before the next exam starts. (to give)
- E 303.** The Eiffel Tower _____ by the French engineer, Alexander-Gustave Eiffel. (to build)
- I 304.** You should go to the police station because the police _____ the man who stole your car. He is being questioned at the moment. (to catch)
- I 305.** Has the museum _____ by many students who are about my age? (to visit)
- E 306.** A photograph of me and my classmates _____ at the end of each course since we started university. (to take)
- A 307.** The farmers took the women to hospital when they _____ lost in the forest. (to find)
- E 308.** The children's rooms _____ right now as we speak. (to paint)
- E 309.** Baseball _____ all over the world these days. (not to play)
- E 310.** I don't know why we haven't received the package yet. It _____ over a week ago. (to post)
- E 311.** The first rugs _____ by hand, and the finest ones are still handmade. (to make)
- I 312.** We had to leave the house when one of the rooms _____ fire. (to catch)
- E 313.** All the cake _____ by the students, so the teacher didn't get any. (to eat)
- I 314.** Will the books _____ next year, or can I give them to my cousin? (to need)
- E 315.** Alex _____ as one of the most hard-working students in our school, and all of the teachers like her very much. (to regard)
- I 316.** Unfortunately, the missing climbers _____ yet. (to find)
- I 317.** When I left this city, the old cinema _____. Have they finished it? (to repair)
- E 318.** Hamid is not very good at chess, so I think I _____ easily. (to win)
- E 319.** Heart attack _____ to be one of the results of eating fatty foods. (to believe)
- I 320.** I'm proud of my daughter because she _____ to play for the national team. (to choose)

پ) با هر گروه از کلمات به هم ریخته زیر، یک جمله مناسب بنویسید.

- E 321. has / letter / before / typed / been / the / . /
- E 322. on / the game / by / played / each team / is / six players / . /
- I 323. already / our / corrected / been / papers / have / . /
- I 324. forgotten / name / be / his / never / will / . /
- I 325. older people / by / the library / used / is / many / ? /
- I 326. music / this / I / always / kind of / liked / have / . /
- E 327. is / by / the carpet / woven / girls / being / young / two / . /
- I 328. just / to Shiraz / come back / has / from / a business trip / she / . /
- I 329. he / to Persian / recently / a book / has / English / translated / from / . /
- E 330. was / by / because / I / the police / was / too fast / stopped / driving / I / . /
- I 331. students / year / next / will / number / the / increase / of / ? /
- E 332. high school / I / since / played / have / I / started / Ping-Pong / . /
- I 333. the classroom / class / for / arriving / cleaned / when / being / the students / was / started / . /
- I 334. yet / had / movie / to watch / I / time / haven't / this / . /
- I 335. ever / opinion / have / for / been / you / your / asked / ? /
- I 336. his problem / hasn't / he / his doctor / about / talked to / still / . /

ت) با توجه به تصاویر داده شده، به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید.

- E 337. What is done by the young boy every week?

His grandparents



- E 338. What was done by the little boy yesterday?

The window



- E 339. What has been done by Sara for ten years?

English



- E 340. What hasn't been done by Maryam since last week?

The room



- 58: d: خانه کوچکی است، ولی باغچه‌اش به‌طور تعجب‌آوری بزرگ است.
معنی گزینه‌ها: a. تعجب، متعجب کردن b. متعجب c. تعجب آور d. به‌طور تعجب‌آوری. با کمال تعجب مطمئن‌ترین راه برای انتخاب بین صفت و قید این است که ببینیم کلمه مورد نظر چه چیزی را وصف می‌کند. کار صفت، وصف اسم یا ضمیر است. ولی کار قید، وصف هر چیزی به‌جز اسم یا ضمیر است؛ یعنی قید می‌تواند فعل، صفت، یک قید دیگر، یا حتی کل جمله را وصف کند. کلمه‌ای که در جای خالی می‌آید صفت large را وصف می‌کند (به‌طور تعجب‌آوری بزرگ)، پس باید در جای خالی از قید استفاده کنیم.
- 59: b: اگر می‌خواهی دانش خود را در مورد آن زبان افزایش بدهی، باید بروی و در فرانسه زندگی کنی.
معنی گزینه‌ها: a. مدرک، دیپلم b. دانش c. مایه تأسف، حیف d. فشار
- 60: a: بعد از تمام کردن دانشگاه، او به خارج از کشور رفت.
معنی گزینه‌ها: a. (در، به) خارج، خارج از کشور b. تنوع، گوناگونی c. پزشک، دکتر d. وطن، میهن اگر بخواهیم این جمله را با homeland بنویسیم، باید قبل از جای خالی، حرف اضافه و صفت ملکی بیاوریم؛ ... he went to his homeland.
- 61: b: او به خاطر نمره عالی‌اش خوشحال بود.
معنی گزینه‌ها: a. (در، به) خارج، خارج از کشور b. تنوع، گوناگونی c. پزشک، دکتر d. وطن، میهن
- 62: d: من از وقتی که یاد گرفتم چطور بخوانم و بنویسم، خاطراتم را نوشته‌ام.
معنی گزینه‌ها: a. (در، به) خارج، خارج از کشور b. تنوع، گوناگونی c. پزشک، دکتر d. وطن، میهن
- 63: c: پدرش از دست او عصبانی بود چون او پنجره را شکسته بود.
معنی گزینه‌ها: a. (در، به) خارج، خارج از کشور b. تنوع، گوناگونی c. پزشک، دکتر d. وطن، میهن
- 64: e: وقتی که آن خبر بد را شنید، زد زیر گریه.
معنی گزینه‌ها: a. (در، به) خارج، خارج از کشور b. تنوع، گوناگونی c. پزشک، دکتر d. وطن، میهن
- 65: recorded: اسامی آن‌هایی که فوت شده بودند را روی یک لوح ثبت کردند.
معنی گزینه‌ها: a. (در، به) خارج، خارج از کشور b. تنوع، گوناگونی c. پزشک، دکتر d. وطن، میهن
- 66: repeatedly: او مکرراً تماس می‌گرفت، گریه می‌کرد و از او می‌خواست که برگردد.
معنی گزینه‌ها: a. (در، به) خارج، خارج از کشور b. تنوع، گوناگونی c. پزشک، دکتر d. وطن، میهن
- 67: shouted: دنی با نهایت صدایش (تا جایی که می‌توانست بلند) فریاد زد و گفت: «من می‌خواهم الان بروم».
معنی گزینه‌ها: a. (در، به) خارج، خارج از کشور b. تنوع، گوناگونی c. پزشک، دکتر d. وطن، میهن
- 68: calmly: من شوکه شدم چون او با خونسردی به آن خبر بد واکنش نشان داد.
معنی گزینه‌ها: a. (در، به) خارج، خارج از کشور b. تنوع، گوناگونی c. پزشک، دکتر d. وطن، میهن
- 69: c: بچه‌های کوچک معمولاً در ابراز کردن خود مشکل دارند. (گفتن یا نشان دادن آن‌چه احساس یا فکر می‌کنند) تعریفی که در d آمده (گفتن چیزی با صدای خیلی بلند) در واقع تعریف کلمه shout (فریاد زدن، داد زدن) است.
- 70: b: فقط یک صندلی وجود دارد، بنابراین شما مجبورید بغل من (روی پای من) بنشینید! (قسمت بالایی پای شما وقتی که نشسته‌اید)
معنی گزینه‌ها: a. (در، به) خارج، خارج از کشور b. تنوع، گوناگونی c. پزشک، دکتر d. وطن، میهن
- 71: e: گلدان بر روی زمین فرود آمد (افتاد) ولی نشکست. (چیزی که برای قرار دادن گل در آن یا برای تزئین استفاده می‌شود)
معنی گزینه‌ها: a. (در، به) خارج، خارج از کشور b. تنوع، گوناگونی c. پزشک، دکتر d. وطن، میهن
- 72: a: آن‌ها به مهمانان با آغوش و بوسه خوش‌آمد می‌گفتند. (عملی قرار دادن دست‌هایتان دور کسی و تگه داشتن آن‌ها)
معنی گزینه‌ها: a. (در، به) خارج، خارج از کشور b. تنوع، گوناگونی c. پزشک، دکتر d. وطن، میهن
- 73: quiet: ما مجبوریم ساکت باشیم تا این‌که بچه را بیدار نکنیم.
معنی گزینه‌ها: a. (در، به) خارج، خارج از کشور b. تنوع، گوناگونی c. پزشک، دکتر d. وطن، میهن
- 74: pigeon: پرنده‌های قهوه‌ای یا طوسی است که اغلب در شهرها زندگی می‌کند.
معنی گزینه‌ها: a. (در، به) خارج، خارج از کشور b. تنوع، گوناگونی c. پزشک، دکتر d. وطن، میهن
- 75: tears: وقتی که به آن موسیقی گوش می‌کرد، چشمانش پر از اشک شد.
معنی گزینه‌ها: a. (در، به) خارج، خارج از کشور b. تنوع، گوناگونی c. پزشک، دکتر d. وطن، میهن
- 76: fed: ما به بچه‌ها غذا دادیم و سپس شروع کردیم به آماده شدن برای رفتن.
معنی گزینه‌ها: a. (در، به) خارج، خارج از کشور b. تنوع، گوناگونی c. پزشک، دکتر d. وطن، میهن
- 77: thoughts: می‌توانید افکار یا احساسات خود یا آن‌چه که هر روز اتفاق افتاده را در دفتر خاطرات یادداشت کنید.
معنی گزینه‌ها: a. (در، به) خارج، خارج از کشور b. تنوع، گوناگونی c. پزشک، دکتر d. وطن، میهن
- 78: caught: وقتی که نزدیک او عطسه کردم، او بیماری من را گرفت.
معنی گزینه‌ها: a. (در، به) خارج، خارج از کشور b. تنوع، گوناگونی c. پزشک، دکتر d. وطن، میهن
- 79: painfully: آن دختر بچه به‌طور آزاردهنده‌ای (به شدت) خجالتی بود و نمی‌توانست با دیگران صحبت کند.
معنی گزینه‌ها: a. (در، به) خارج، خارج از کشور b. تنوع، گوناگونی c. پزشک، دکتر d. وطن، میهن
- 80: suddenly: من در لابی هتل نشسته بودم وقتی که ناگهان او شروع کرد به صحبت کردن با من.
معنی گزینه‌ها: a. (در، به) خارج، خارج از کشور b. تنوع، گوناگونی c. پزشک، دکتر d. وطن، میهن
- 81: elderly: اگر احساس می‌کنید کلمه friendly هم برای تکمیل این جمله مناسب است، توضیح سؤال آخر این بخش را بخوانید.
معنی گزینه‌ها: a. (در، به) خارج، خارج از کشور b. تنوع، گوناگونی c. پزشک، دکتر d. وطن، میهن
- 82: lovely: ما امسال یک هفته دوست‌داشتنی را در کنار دریا گذرانیدیم.
معنی گزینه‌ها: a. (در، به) خارج، خارج از کشور b. تنوع، گوناگونی c. پزشک، دکتر d. وطن، میهن
- 83: c: می‌دانم کاری که او کرد اشتباه بود. ولی فکر نمی‌کنی وقتی رسیده که بخشی و فراموش کنی؟ (عصبانی بودن از دست کسی را متوقف کردن) تعریفی که در b آمده (به یاد نداشتن حقایق، اطلاعات یا چیزهای دیگر) در واقع تعریف کلمه forget (فراموش کردن) است. حواسمان باشد که کدام کلمه در صورت سؤال مشخص شده و تعریف آن خواسته شده است.

- 84: **a**: جنی توان آن را نداشت که تنها با او صحبت کند. (توانایی انجام دادن کارهایی که به قدرت زیادی نیاز دارند)
- 85: **e**: او زیادی کم سن است و نمی‌تواند بین درست و غلط تمایز قائل شود. (قهمیدن تفاوت بین دو نفر یا دو چیز)
- 86: **d**: آن فیلم برای افراد ناشنوا و آن‌هایی که کم‌شنوا هستند زیرنویس دارد. (قادر نبودن به خیلی خوب شنیدن)
- 87: **d**: نشانه‌هایی وجود دارد که وضعیت دارد بهتر می‌شود.
- معنی گزینه‌ها**: **a**: نمره؛ امتیاز **b**: درد؛ رنج **c**: نوع؛ گونه **d**: نشانه، علامت؛ تابلو
- 88: **a**: هیچ‌کس نمی‌داند که در آینده چه چیزی اتفاق خواهد افتاد.
- معنی گزینه‌ها**: **a**: اتفاق افتادن **b**: متفجر کردن / شدن، ترکاندن، ترکیدن **c**: حدس زدن **d**: دریافت کردن
- 89: **b**: من عاشق رمان‌های او هستم چون نوشتار او پُر از اصطلاحات رنگارنگ (متنوع) است.
- معنی گزینه‌ها**: **a**: گلدان **b**: اصطلاح، عبارت؛ بیان، ایراز **c**: عضو **d**: دما؛ تب
- 90: **a**: آن هنرپیشه خودش را وقف کمک کردن به کودکان فقیر کرد.
- معنی گزینه‌ها**: **a**: وقف کردن؛ اختصاص دادن **b**: احساس کردن **c**: ثبت کردن، ضبط کردن، یادداشت کردن **d**: پایین آوردن، کاهش دادن
- 91: **b**: من درک واضحی از این‌که این دستگاه چگونه کار می‌کند ندارم.
- 92: **e**: من برای چک کردن معنی آن اصطلاح از یک کتاب مرجع استفاده کردم.
- 93: **c**: ما باید از والدین‌مان مراقبت کنیم وقتی که آن‌ها پیر یا بیمار می‌شوند.
- 94: **a**: معلم یک سؤال پرسید و من اولین نفری بودم که جواب دادم.
- 95: **provide**: هتل حمل و نقل از فرودگاه را فراهم خواهد کرد.
- 96: **generated**: فیلم آخر او علاقه زیادی (در مخاطبان) ایجاد کرده است.
- 97: **kept**: من به امیدوار بودن به این‌که او یا من تماس می‌گیرد ادامه می‌دادم. (مدام امیدوار بودم که او یا من تماس می‌گیرد).
- 98: **describe**: کلمات نمی‌توانند احساس ما در آن لحظه را وصف کنند.
- 99: **c**: او به کیفیت علاقه‌ای ندارد. تنها چیزی که او به آن اهمیت می‌دهد پول درآوردن است. (استاندارد بالا، این‌که چیزی جقدر خوب یا بد است)
- 100: **a**: یکی از دلایل اصلی این‌که من به انگلیس آمدم، مطالعه زبان آن بود. (بزرگ‌تر یا مهم‌تر از بقیه مواردی که از همان نوع هستند)
- 101: **e**: لباس افراد اغلب جلوه‌ای از شخصیت آن‌هاست. (نوع شخصی که شما هستید، که توسط شیوه رفتار و تفکر شما نشان داده می‌شود)
- 102: **b**: آن نقاش می‌گفت که نقاشی کردن تنها وسیله او برای ابراز خود است. (سبک یا شیوه انجام کاری)
- تعریفی که در **d** آمده (ایده‌ای که یک فرد می‌خواهد از طریق استفاده از کلمات آن را بیان کند) در واقع تعریف فعل **mean** (معنی داشتن، منظور داشتن) است، ولی در این جمله از اسم **means** (وسیله، راه، روش) استفاده شده است.
- 103: **common**: اسم «اسمیت» در انگلیس خیلی رایج است.
- 104: **description**: من نتوانستم توصیفی از آن مرد ارائه کنم چون هوا بیش از حد تاریک بود.
- 105: **possibility**: ما نمی‌دانیم چه اتفاقی خواهد افتاد. ما باید برای هر احتمالی آماده باشیم.
- 106: **step**: او روی پله جلوی خانه نشسته بود.
- 107: **bought**: من چندین کتاب عالی از آن کتابفروشی خریدم.
- 108: **burst**: وقتی که داشتم از پله‌ها بالا می‌رفتم، کیسه ترکید و سیب‌ها بیرون افتادند.
- 109: **ever**: تا به حال سعی کرده‌ای که با او در مورد چیزهایی که برایت مهم هستند صحبت کنی؟
- 110: **loudly**: وقتی که داشت آن خبر را به آن‌ها می‌گفت، بلندتر از حد معمول صحبت می‌کرد و من می‌توانستم همه چیز را بشنوم.
- همان‌طور که در کتابچه واژگان توضیح دادیم، بین دو قید **loudly** و **aloud** تفاوت مفهومی وجود دارد. قید **loudly** به معنی بالا بودن شدت صدا است، ولی قید **aloud** به معنی با صدا و برعکس در دل است، علاوه بر این، نکته دیگری که در این سؤال به راحتی ما را به جواب می‌رساند این است که **aloud** نمی‌تواند به شکل تشبیه‌ای و عالی بیاید. آمدن **more** قبل از جای خالی باعث می‌شود **loudly** را انتخاب کنیم.
- 111: **same**: الکس و برایان همدیگر را خیلی خوب می‌شناسند چون آن‌ها به مدرسه یکسانی رفته‌اند.
- 112: **helpful**: برای اعضای خانواده مفید است که درکی از آن بیماری داشته باشند.
- 113: **d**: نگار و نسرین یک زمانی دوستان خیلی نزدیکی بودند. (در زمانی در گذشته)
- کلمه **once** می‌تواند به معنی «یک بار، یک دفعه» یا به معنی «یک زمانی، قبلاً» باشد. این دو معنی به ترتیب در تعریف‌های **a** و **d** آورده شده‌اند. پس باید توجه کنیم که این کلمه در این جمله کدام معنی را دارد. کلمه **once** یک معنی مهم دیگر هم دارد که در بخش **reading** درس دوم با آن آشنا می‌شویم.

238: b: من به راستی معتقدم که آن چه او می گوید اشتباه است.

معنی گزینه ها: a: یا مهربانی، عاشقانه b: به راستی، به درستی، به تحقیق c: به طور شفاهی d: بلند، با صدای بلند

239: d: کاملاً طبیعی است که شما باید نگران فرزندان تان باشید.

معنی گزینه ها: a: (مربوط به) پزشکی، درمانی b: واقعی c: احساساتی، عاطفی d: طبیعی

240: c: شش نفر در آن تصادف جان باختند، از جمله یک افسر پلیس.

معنی گزینه ها: a: معنی، مفهوم b: احساس، احساسات c: از جمله، شاملی d: در طول، در حین

241: c: ما دوشنبه گذشته به شام دعوت شدیم و بهمان خوش گذشت.

کلمه قبل از جای خالی (ما) مفعول جای خالی (دعوت کردن) است. اگر بخواهیم فعل معلوم «دعوت کردن» را در جای خالی بیاوریم، باید بعد از جای خالی یک مفعول داشته باشیم و بگوییم که ما فلان کس را به شام «دعوت کردیم». بنابراین این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. بین گزینه های c و d که $be + p.p$ دارند و مجهول هستند، گزینه c از نظر زمانی مناسب است، چون این جمله ارتباطی با حال ندارد و فقط یک اتفاق گذشته را گزارش می کند. برای حذف گزینه d می توانیم از قید زمان last Monday هم استفاده کنیم، چون زمان حال کامل نمی تواند با این قید زمان گذشته همراه شود.

242: c: یک بیمارستان جدید در سال آینده در نزدیکی فرودگاه ساخته خواهد شد.

کلمه قبل از جای خالی (بیمارستان) مفعول جای خالی (ساختن) است. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه های b و c). قید زمان آینده next year نشان می دهد که باید در این جمله از زمان آینده استفاده کنیم.

243: b: این پل سنگی در طول سه سال گذشته دو بار تعمیر شده است.

کلمه قبل از جای خالی (پل) مفعول جای خالی (تعمیر کردن) است. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه های b، c و d). مفهوم از گذشته تا حال که از عبارت over the last three years (در طول سه سال گذشته) برداشت می شود، نشان می دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم، نه حال ساده یا حال استمراری.

244: c: الف: «قصد داریم به آن ها رنگ بزنیم و ارشان بخواهیم که کاتالوگ جدید را برایم بفرستند.»

ب: «نیازی نیست به آن ها رنگ بزنیم. من کاتالوگ جدید را دارم. هفته پیش رسید.»

کلمه قبل از جای خالی (it) که به کاتالوگ اشاره دارد) فاعل جای خالی (رسیدن) است. پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه های b و c). دقت داشته باشیم که arrive به معنی «رسیدن» است، نه «رساندن». این کلمه در واقع یک فعل لازم است که اصلاً نمی تواند مجهول شود. در درس نامه گرامر، در بخش «افعالی که مجهول نمی شوند» به این فعل اشاره کرده ایم. قید زمان گذشته last week نشان می دهد که باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم، نه حال کامل.

245: a: نمی توانم دوربینم را به تو قرض بدهم. این هفته در حال تعمیر شدن است.

کلمه قبل از جای خالی (it) که به دوربین اشاره دارد) مفعول جای خالی (تعمیر کردن) است. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. تنها گزینه ای که $be + p.p$ دارد و مجهول است، گزینه a است.

246: a: امروزه بیش از هزار زبان وجود دارد، بعضی توسط میلیون ها نفر صحبت می شوند، بقیه توسط فقط چند هزار نفر.

کلمه قبل از جای خالی (بعضی که به زبان ها اشاره دارد) مفعول جای خالی (صحبت کردن) است. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه های a، b و c). در گزینه d فعل be به شکل ساده باقی مانده و صرف نشده است. این اتفاق فقط زمانی می افتد که ساده مانند be موجه باشد؛ مثلاً این که بعد از Will آمده باشد تا مجهول آینده بسازد. در غیر این صورت، فعل be باید طبق زمان و شخص جمله صرف شود. قید زمان today نشان می دهد که باید در این جمله از زمان حال ساده استفاده کنیم، نه گذشته ساده.

247: d: تعدادی مشکل در ابتدا وجود داشت، ولی به نظر می رسد که همه آن ها حل شده اند.

عبارت قبل از جای خالی (همه آن ها، که به مشکلات اشاره دارد) مفعول جای خالی (حل کردن) است. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه های b، c و d). بین این گزینه ها تفاوت «شخص» وجود دارد که خیلی مهم تر از تفاوت «زمان» است. وقتی می بینیم که گزینه ها از نظر مفعول و جمع بودن با هم فرق دارند، باید همین مورد را چک کنیم و دیگر نباید درگیر چک کردن زمان شویم. عبارت «همه آن ها» جمع است، پس نمی توانیم از افعال مفرد was و has در جای خالی استفاده کنیم.

248: b: این کالج در سال ۱۷۹۳ توسط تعدادی خانواده پولدار که می خواستند کیفیت آموزش را در زادگاهشان بهبود بخشند، تأسیس شد.

همه گزینه های این سؤال $be + p.p$ دارند و مجهول هستند، نکته مهمی که باید در این سؤال به آن توجه داشته باشیم این است که فعل found دو معنی و کاربرد متفاوت دارد. در گزینه های a و c این فعل به عنوان اسم مفعول فعل find (پیدا کردن) استفاده شده که به معنی این جمله نمی خورد. ولی در گزینه های b و d این فعل ed گرفته و به عنوان اسم مفعول فعل found (تأسیس کردن) مورد استفاده قرار گرفته که از نظر معنایی برای این جمله مناسب است. قید زمان گذشته in 1793 نشان می دهد که باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم، نه حال کامل.

249: c: برای مدتی طولانی این طور فکر شده است که هیچ حیاتی روی ماه وجود ندارد.

کلمه قبل از جای خالی (it) نمی تواند فاعل جای خالی (فکر کردن) باشد. این جمله می خواهد بگوید که این طور «فکر می شود»، نه این که خود آن فکری بکند! پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه های b و c). مفهوم از گذشته تا حال که از این جمله برداشت می شود، نشان می دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم، نه حال ساده.

250: d: پنجره های ساختمان چند روز پیش در یک طوفان شکسته شدند.

عبارت قبل از جای خالی (پنجره های ساختمان) مفعول جای خالی (شکستن) است. در واقع پنجره ها توسط طوفان شکسته شده اند، نه این که خودشان شکسته باشند. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه های a، c و d). در جای خالی باید از فعل جمع استفاده کنیم، چون «پنجره های ساختمان» شکسته شده اند، نه خود اسم مفرد «ساختمان». پس گزینه a که was دارد حذف می شود. قید زمان گذشته a few days ago نشان می دهد که باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم، نه حال کامل.

251: a: ما از کس دیگری پرسیدیم چون شما نتوانستید به آن سؤال جواب بدهید.

کلمه قبل از جای خالی (ما) فاعلی جای خالی (پرسیدن) است. عبارت «کس دیگری» که بعد از جای خالی آمده باعث می‌شود که «پرسیدن» برای تکمیل جمله مناسب باشد، نه «پرسیده شدن». پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه‌های a و c). نکته مهمی که در این سؤال به کار رفته این است که کلمه since در این جمله معنی «چون» دارد و معادل because است. نباید تا since را می‌بینیم چشم‌پسته سراغ زمان حال کامل برویم. کلمه «چون» می‌تواند با هر زمانی استفاده شود. بنابراین همیشه باید به معنی و مفهوم جمله توجه کنیم. در درس سوم در مورد کاربرد since دقیق‌تر صحبت می‌کنیم. گذشته بودن ادامه جمله نشان می‌دهد که از نظر مفهومی باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم، نه حال کامل.

252: a: آن شرکت، شرکت بزرگی است. پانصد نفر در آنجا استخدام هستند.

عبارت قبل از جای خالی (پانصد نفر) مفعولی جای خالی (استخدام کردن) است. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a، b و d). در گزینه d، فعل be به درستی صرف نشده است. فقط در جاهای خاصی (مثلاً در استمراری مجهول) می‌توانیم be را به صورت being بیاوریم. بین دو گزینه باقی‌مانده، تفاوت شخص وجود دارد و چون قبل از جای خالی اسم جمع آمده، باید فعل جمع را انتخاب کنیم.

253: c: من نتوانستم نامه را تا بپ کنم چون کامپیوتر درست وقتی که من به آن نیاز داشتم، داشت استفاده می‌شد.

کلمه قبل از جای خالی (کامپیوتر) مفعولی جای خالی (استفاده کردن) است. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b و c). مفهومی که عبارت «درست وقتی که من به آن نیاز داشتم» به جمله می‌دهد، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان گذشته استمراری استفاده کنیم، نه گذشته ساده.

254: c: من نمی‌دانستم که صحبت‌مان دارد ضبط می‌شود.

کلمه قبل از جای خالی (صحبت) مفعولی جای خالی (ضبط کردن) است. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b و c). شاید از نظر معنی فارسی، گزینه‌های b و d هم درست به نظر بیایند، چون در معادل فارسی این جمله می‌توانیم از «دارد ضبط می‌شود» یا «ضبط خواهد شد» استفاده کنیم. ولی با توجه به نکته «پایه گذشته» که در درس‌نامه گرامر توضیح دادیم، بعد از پایه گذشته I didn't know حتماً باید یک فعل گذشته بیاوریم. پس در گزینه‌های b و d به جای is و will باید از was و would استفاده کنیم. چون این نکته «پایه گذشته» در فارسی وجود ندارد، زمان این جمله در فارسی با انگلیسی کمی تفاوت دارد، همان‌طور که می‌بینید در ترجمه این جمله از زمان حال استمراری (دارد ضبط می‌شود) استفاده کردیم، ولی در گرامر انگلیسی باید این جمله را با گذشته استمراری بیاوریم. حواسمان باشد که بعضی از چیزهایی که در محاوره می‌شنویم، ممکن است جزو اشتباهات رایج محاوره‌ای باشند و نباید آن‌ها را در پاسخ‌گویی به سؤالات گرامر لحاظ کنیم.

255: d: بسیاری از انواع سرطان توسط عوامل غذایی ایجاد می‌شوند.

عبارت قبل از جای خالی (بسیاری از انواع سرطان) مفعولی جای خالی (ایجاد کردن) است. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b و d). حواسمان باشد که گزینه a مجهول نیست، چون در انتهای آن ing آمده، نه ed. تا یک فعل سه‌کلمه‌ای می‌بینیم، آن را مجهول در نظر نگیریم. باید فعل را دقیق بخوانیم و ببینیم که be + p.p. دارد یا نه. گزینه‌های b و d با هم تفاوت شخص دارند. کلمه‌ای که درست قبل از جای خالی آمده (cancer) مفرد است، ولی در این جا کل عبارت قبل از جای خالی (many types of cancer) ملاک است که جمع است.

256: c: می‌دانی که ماریا به عنوان برنامه‌نویس کامپیوتری شرکت دعوت شده است؟

کلمه قبل از جای خالی (ماریا) مفعولی جای خالی (دعوت کردن) است. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. اگر بخواهیم فعل معلوم «دعوت کردن» را در جای خالی بیاوریم، باید بعد از جای خالی یک مفعول داشته باشیم و یگوئیم که ماریا فلان کس را به عنوان برنامه‌نویس کامپیوتری شرکت «دعوت کرده است». تنها گزینه‌ای که be + p.p. دارد و مجهول است، گزینه c است.

257: b: کلمه «احقی» در گزارش من بود، ولی به تو اشاره نمی‌کرد.

کلمه قبل از جای خالی (it، که به «کلمه احقی» برمی‌گردد) فاعلی جای خالی (اشاره کردن) است. پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه‌های a و b). مفهوم این جمله نشان می‌دهد که باید در این جمله از فعل معلوم در زمان گذشته ساده استفاده کنیم، نه حال کامل.

258: d: آپارتمان‌های زیادی در طول پنج سال گذشته برای کارمندان فقیر ساخته شده‌اند.

کلمه قبل از جای خالی (آپارتمان‌ها) مفعولی جای خالی (ساختن) است. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a و d). مفهوم از گذشته تا حال که از عبارت during the last five years (در طول پنج سال گذشته) برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم، نه حال ساده.

259: a: مجموعه داستان‌های نوشته شده توسط آن نویسنده توسط یک انتشارات معروف منتشر خواهد شد.

همه گزینه‌های این سؤال be + p.p. دارند و مجهول هستند. اگر دقت کافی نداشته باشیم، احتمالاً درگیر چک کردن زمان گزینه‌ها می‌شویم. در حالی که نکته خیلی مهم‌تری در این سؤال مطرح است. همان‌طور که قبلاً گفتیم، تفاوت شخص خیلی مهم‌تر از تفاوت زمان است. چیزی که قرار است منتشر شود «مجموعه داستان‌ها» است، نه «داستان‌ها». در واقع قرار است «یک» مجموعه داستان منتشر شود. پس فعلی که در جای خالی می‌آوریم باید با اسم مفرد collection تطابق داشته باشد، نه با اسم جمع stories. کلمات are و have که در گزینه‌های b، c و d آمده‌اند جمع هستند و نمی‌توانند جواب صحیح باشند. ولی will هم برای جمع به کار می‌رود و هم برای مفرد. بنابراین تنها گزینه‌ای که می‌تواند به عنوان یک فعل مفرد در جای خالی این سؤال بیاید گزینه a است.

260: d: وقتی که داخل آن خانه هستید، حس متفاوتی نسبت به هیچ خانه قدیمی بزرگ دیگری ندارد.

کلمه قبل از جای خالی (it، که به خانه اشاره دارد) فاعلی جای خالی (حس خاصی داشتن) است. کلمه feel معمولاً معنی «احساس کردن» دارد، ولی در جملاتی مشابه جمله این سؤال، این کلمه کمی متفاوت معنی می‌شود. وقتی می‌گوییم sth feels different، معنی آن این است که «چیزی حس متفاوتی دارد» یا «چیزی متفاوت به نظر می‌رسد». پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه‌های b و d). بخش اول جمله و مفهوم کلی صورت سؤال نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال ساده استفاده کنیم، نه حال کامل.

261: امروزه تعداد زیادی از افراد اجازه دارند که در بازی‌های المپیک شرکت کنند.

عبارت قبل از جای خالی (تعداد زیادی از افراد) مفعول جای خالی (اجازه دادن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b و d). با توجه به این که قبل از جای خالی یک عبارت جمع آمده، جواب این سؤال باید یک فعل جمع باشد، نه مفرد.

262: چیزی که من در مورد آن هتل دوست نداشتم این بود که وقتی که ما در آنجا اقامت داشتیم، هنوز داشت رنگ می‌شد.

کلمه قبل از جای خالی (it) که به هتل اشاره دارد) مفعول جای خالی (رنگ کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a، b و c). در جدولی که در درس نامه گرامر، در بخش «قیدهای مجاز برای حال کامل» آورده شده، مثال‌هایی برای کاربرد Still دیدیم. توضیح دقیق‌تر آن این است که وقتی که Still یا فعل منفی همراه می‌شود، باید قبل از کل فعل بیاید، ولی اگر این قید با فعل مثبت همراه شود، باید قبل از فعل اصلی، یا در صورت داشتن چند فعل کمکی، بعد از اولین فعل کمکی آورده شود. بنابراین بین گزینه‌های a و b که زمان مناسبی دارند، قید Still در گزینه b به درستی به کار رفته است. جای Still در گزینه‌های c و d هم درست است، ولی گزینه c از نظر زمانی و گزینه d از لحاظ معلوم و مجهول مشکل دارد.

263: الف: «فکر کنم وقتی که داشتم از اتوبوس پیاده می‌شدم، خودکارم را گم کردم.» ب: «نگران نباش. می‌توانی این‌جا یک خودکار جدید بخری.»

کلمه قبل از جای خالی (من) فاعل جای خالی (گم کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b، c و d). گزینه c که زمان گذشته استمراری دارد (داشتم گم می‌کردم)، از نظر مفهومی برای این جمله مناسب نیست. شاید زمان حال کامل که در گزینه d آمده از نظر معنایی و کاربردی برای این جمله مناسب به نظر برسد، ولی عبارت When I was getting off the bus که بعد از جای خالی آمده، نمی‌تواند با زمان حال کامل همراه شود. به طور کلی، عبارت «جمله گذشته + when» همیشه یک قید زمان گذشته می‌سازد و طبق درس نامه گرامر، جزو قیدهای غیرمجاز برای حال کامل است.

264: او گفت که از او خواسته شد که وقتی که آن‌ها پای تلفن صحبت می‌کنند، ساکت بنشینند.

کلمه قبل از جای خالی (او) مفعول جای خالی (خواستن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b و c). اگر بخواهیم فعل معلوم «خواستن» را در جای خالی بیاوریم، باید بعد از جای خالی یک مفعول داشته باشیم و بگوییم که او از فلان کس «خواست». بعد از he said که یک پایه گذشته است، حتماً باید یک فعل گذشته بیاوریم. پس باید در جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم، نه حال کامل.

265: او از شنیدن این که این خانه همین دو سال پیش ساخته شده است، متعجب خواهد شد.

کلمه قبل از جای خالی (خانه) مفعول جای خالی (ساختن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a و d). همان‌طور که در درس نامه گرامر گفتیم، درست نیست که صرفاً یا تنها به ترجمه فارسی، زمان فعل انگلیسی را انتخاب کنیم. مخصوصاً وقتی که زمان‌های کامل مطرح هستند، خیلی وقت‌ها زمان فعل فارسی و انگلیسی با هم فرق دارد. در ترجمه فارسی این جمله، بهتر است از «ساخته شده است» استفاده کنیم، نه «ساخته شده»، ولی این دلیل مناسبی برای انتخاب زمان حال کامل نیست. قید زمان گذشته two years ago نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم، نه حال کامل.

266: معلم عصبانی است چون فقط یکی از سؤالات درست جواب داده شده است.

عبارت قبل از جای خالی (یکی از سؤالات) مفعول جای خالی (جواب دادن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a، b و c). فعلی که در جای خالی می‌آید باید از نظر شخص با «یکی از سؤالات» تطابق داشته باشد، نه فقط خود کلمه جمع «سؤالات» که به جای خالی چسبیده است. بنابراین جواب صحیح باید یک فعل مفرد باشد، نه جمع.

267: متأسفانه من تکلیف انگلیسی را تمام نکرده‌ام، می‌شود کمی زمان بیشتر به من بدهید؟

کلمه قبل از جای خالی (من) فاعل جای خالی (تمام کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a و b). از نظر مفهومی، زمان حال کامل برای تکمیل این جمله مناسب است، نه گذشته استمراری (در حال تمام کردن نبودم). شاید کلمه afraid را بیشتر به معنی «ترسیده» دیده باشیم، ولی عبارت I'm afraid می‌تواند به معنی «متأسفانه، متأسفم» هم استفاده شود.

268: d: از وقتی که جنگ شروع شد، بیش از پنج هزار نفر کشته شده‌اند.

عبارت قبل از جای خالی (بیش از پنج هزار نفر) مفعول جای خالی (کشتن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b و d). مفهوم از گذشته تا حال که از عبارت since the war began برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم، نه گذشته استمراری.

269: d: پدرم به من اجازه داد که با جان بازی کنم چون اعتقاد بر این است که او پسر خیلی مؤدبی است.

ضمیمه he که قبل از جای خالی آمده، به جان اشاره دارد، نه به پدر. اگر قرار بود این ضمیمه به پدر اشاره داشته باشد، باید یک ضمیمه دیگر هم در ادامه جمله برای جان می‌آمد، چون مؤدب بودن در مورد جان مطرح شده است. در این جمله، جان مفعول اعتقاد داشتن است و در واقع اعتقادی در مورد او وجود دارد. این هم یک نوع جمله مجهول است. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b و d). نکته مهم دیگری که در این سؤال به کار رفته این است که برای انتخاب زمان جمله، باید تشخیص بدهیم که فعل let در این‌جا به عنوان یک فعل حال آمده یا گذشته. می‌دانیم که هر سه شکل حال، گذشته و اسم مفعول فعل let یکسان است. با توجه به این که قبل از let فاعل سوم شخص مفرد آمده، اگر زمان این فعل حال بود، باید سوم شخص مفرد می‌گرفت و به شکل lets می‌آمد. بنابراین S نداشتن فعل let نشان می‌دهد که این فعل در این جمله به صورت گذشته استفاده شده است. گذشته بودن این جمله باعث می‌شود که از نظر مفهومی، زمان گذشته ساده برای تکمیل جای خالی مناسب باشد، نه حال کامل. این نکته که در مورد S سوم شخص مفرد در این سؤال دیدیم، در سؤالات گرامری مباحث دیگری هم می‌تواند استفاده شود.

270: او می‌گوید که به بعضی از کارمندان، پول خیلی زیادی دارد پرداخت می‌شود برای انجام کار خیلی کمی.

کلمه قبل از جای خالی (کارمندان) مفعول جای خالی (پرداخت کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. تنها گزینه‌ای که be + p.pd دارد و مجهول است، گزینه c است. حواسمان باشد که عبارت He says که در ابتدای این جمله آمده، محدودیتی برای زمان این جمله ایجاد نمی‌کند، چون پایه گذشته نیست. همان‌طور که در درس نامه گرامر گفتیم، بعد از پایه گذشته، فعلی ادامه جمله حتماً باید به شکل گذشته بیاید، ولی پایه حال تأثیری روی زمان ادامه جمله نمی‌گذارد و هر زمانی که به مفهوم جمله بخورد می‌تواند استفاده شود.

271: b من سند اصلی را ندیدم، ولی یک کپی به من نشان داده شد.

کلمه قبل از جای خالی (من) مفعول جای خالی (نشان دادن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های b و d)، مفهوم جمله و گذشته بودن جمله اول، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان گذشته استفاده کنیم، نه حال.

272: a: کیک به طیفه بالا برده شد و توسط بچه‌ها خورده شد.

کلمه قبل از جای خالی (کیک) مفعول جای خالی (خوردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. اتفاق خاصی که در این جمله افتاده این است که از the cake was فاکتور گرفته شده و این عبارت به قرینه حذف شده است. اگر بخواهیم این جمله را کامل بنویسیم، باید این عبارت را سر جای خالی تکرار کنیم. پس اگر چند فعل مجهول یا زمان‌های یکسان پشت سر هم آمده باشند، می‌توانیم be را فقط در فعل اول بیاوریم و برای فعل‌های بعدی فقط از اسم مفعول استفاده کنیم. البته حذف be اجباری نیست و خود was eaten هم می‌توانست جواب این سؤال باشد. گزینه‌های c و d هم مجهول هستند، ولی نمی‌توانند در جای خالی آورده شوند. در گزینه c فعل be صرف نشده و گزینه d هم زمان حال ساده دارد که برای این جمله مناسب نیست.

273: a: در بسیاری از کشورها، این مراسم هر چهار سال یک بار برگزار می‌شود.

کلمه قبل از جای خالی (مراسم) مفعول جای خالی (برگزار کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a و c). کلمه hold علاوه بر معنی «نگه داشتن»، معنی «برگزار کردن» هم دارد که در سال‌های قبل با این معنی آن هم آشنا شده‌ایم. از نظر مفهومی، زمان حال ساده برای تکمیل این جمله مناسب است، نه گذشته استمراری (داشت برگزار می‌شد).

274: d: او درست از کنار من قدم زد (رد شد) بدون سلام دادن یا حتی متوجه شدن این‌که من آن‌جا بودم.

کلمه قبل از جای خالی (او) فاعلی جای خالی (قدم زدن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه‌های c و d)، نکته‌ای که در این سؤال ساده می‌خواهیم یاد بگیریم این است که نباید بدون خواندن دقیق جمله، صرفاً یا دیدن by بعد از جای خالی، سراغ فعل مجهول برویم. حرف اضافه by در این جمله به معنی «کنار» به کار رفته است، به‌طور کلی، جمله می‌تواند حالت‌های مختلفی داشته باشد و مطمئن‌ترین راه، چک کردن مفهوم جمله برای تشخیص معلوم یا مجهول بودن آن است، فعل گذشته Was که در اواخر این جمله آمده نشان می‌دهد که مفهوم ابتدای این جمله هم به فعل گذشته نیاز دارد، نه حال.

275: b: از نیمه‌شب گذشته بود و هیچ‌کس در خیابان نبود. ولی وقتی که داشتم به سمت خانه قدم می‌زدم، احساس کردم که در تاریکی دارم تعقیب می‌شوم.

کلمه قبل از جای خالی (من) مفعول جای خالی (تعقیب کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a، b، c و d). تنها چیزی که برای تشخیص زمان این جمله باید به آن توجه کنیم، پایه گذشته است. یا این‌که ترجمه فارسی این جمله بیشتر زمان حال استمراری را نشان می‌دهد، عبارت felt که قبل از جای خالی آمده باعث می‌شود که در جای خالی از یک فعل گذشته استفاده کنیم.

276: d: آن پارک از آخر هفته پیش بسته شده است چون یک فیلم دارد در آن‌جا فیلم برداری می‌شود.

کلمه قبل از جای خالی (پارک) مفعول جای خالی (بستن) است. در واقع پارک توسط افرادی بسته شده است، نه این‌که خودش بسته شده باشد. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a و d). مفهوم از گذشته تا حال که از عبارت since last week برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم، نه حال ساده.

277: c: یکی از همسایه‌های من شش ماه پیش ناپدید شد، او از آن موقع به بعد دیده نشده است.

عبارت قبل از جای خالی (یکی از همسایه‌های من) فاعلی جای خالی (ناپدید شدن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه‌های a و c). آمدن کلمه «شدن» در ترجمه فارسی فعل disappear باعث می‌شود به اشتباه فکر کنیم که باید آن را مجهول کنیم، ولی باید حواسمان باشد که خود این فعل به معنی «ناپدید شدن» است؛ یعنی این فعل خودش در حالت معلوم، «شدن» را در معنی‌اش دارد. کلمه disappear در واقع یک فعل لازم است که اصلاً نمی‌تواند مجهول شود. در بین افعالی که در درس‌نامه گرامر، در بخش «افعالی که مجهول نمی‌شوند» آوردیم، دو فعل appear و disappear شاید پرخطرترین افعال باشند. فید زمان گذشته six months ago نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم، نه حال کامل.

278: d: این زمین‌های تنیس خیلی زیاد استفاده نمی‌شوند، افراد زیادی نمی‌خواهند بازی کنند.

عبارت قبل از جای خالی (زمین‌های تنیس) مفعول جای خالی (استفاده کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های c و d)، حتی اگر معنی کلمه court (زمین بازی) را ندانیم، باز هم می‌توانیم مجهول بودن این جمله را تشخیص بدهیم، چون اگر بخواهیم فعل معلوم «استفاده کردن» را در جای خالی بیاوریم، باید بعد از جای خالی یک مفعول داشته باشیم و بگوییم که چیزی از چیزی «استفاده می‌کند»، بین گزینه‌های c و d تفاوت شخص وجود دارد، پس با تفاوت زمان این دو گزینه کاری نداریم. جمع بودن عبارت قبل از جای خالی نشان می‌دهد که باید در جای خالی از یک فعل جمع استفاده کنیم، نه مفرد.

279: b: من قبلاً یک دوچرخه داشتم، ولی دزدیده شد و الان مجبورم هر روز سوار اتوبوس شوم.

کلمه قبل از جای خالی (آه، که به دوچرخه اشاره دارد) مفعول جای خالی (دزدیدن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه‌های a و b)، مشخص است که عمل دزدیده شدن در گذشته انجام شده و بنابراین، زمان گذشته ساده برای این جمله مناسب است. نه حال ساده، قیدهای زمان now و every day که در جمله بعد از جای خالی آمده‌اند، مربوط به سوار اتوبوس شدن هستند و ارتباطی با جای خالی ندارند. عبارت used to (قبلاً) که در اوایل جمله آمده، به عمل یا حالتی اشاره دارد که در گذشته بوده، ولی دیگر وجود ندارد.

280: a: پلیس دارد دنبال یک پسر گم‌شده می‌گردد که اعتقاد بر این است که یک زناکوت سفید و شلوار جین آبی به تن دارد.

کلمه قبل از جای خالی (پلیس) فاعلی جای خالی (دنبال چیزی گشتن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه‌های a، c و d). نکته مهمی که در این سؤال می‌خواهیم یاد بگیریم این است که کلمه police در انگلیسی همیشه «جمع» محسوب می‌شود و بعد از آن باید فعل جمع بیاوریم. اگر بخواهیم به یک فرد پلیس اشاره کنیم، باید از کلمات دیگری مثل policeman یا police officer استفاده کنیم. گزینه‌های c و d مفرد هستند و نمی‌توانند جواب این سؤال باشند.

291: d گزارش شده که آن ساختمان به طور بدی توسط آتش صدمه دیده است.

کلمه قبل از جای خالی (it) نمی تواند فاعلی جای خالی (گزارش کردن) باشد. این جمله می خواهد بگوید که این طور «گزارش شده»، نه این که خود آن گزارشی کرده باشد! پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. تنها گزینه ای که $be + p.p$ دارد و مجهول است، گزینه d است.

292: b اگر مراقب نباشی که با آن چکش چه کار می کنی، یک نفر در عرض یک دقیقه (به زودی) آسیب خواهد دید.

کلمه قبل از جای خالی (یک نفر) مفعول جای خالی (آسیب رساندن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه های a, b و c). اگر بخواهیم این سؤال را یک سؤال ترکیبی و جامع ببینیم، می توانیم بگوییم که این جمله، شرطی نوع اول (درس ۳ یازدهم) است و ساختار شرطی نوع اول در گزینه b رعایت شده است. ولی به عنوان یک سؤال مستقل این درس هم می توان به جواب این سؤال رسید، مفهوم جمله نشان می دهد که باید در این جمله از زمان آینده استفاده کنیم. هر سه شکل حال، گذشته و اسم مفعول فعل hurt یکسان است و این فعل هیچ وقت ed نمی گیرد.

293: d قبل از این که آن ماشین را بخری، باید بدانی که کی تولید شده است.

کلمه it که در گزینه ها آمده و به ماشین اشاره دارد، مفعول فعل داخل جای خالی (تولید کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه های a, c و d). نکته مهمی که در این سؤال مطرح شده و در جملات کتاب های درسی هم چندین بار به کار رفته، این است که با وجود این که کلمه پرسشی when قبل از جای خالی آمده، بعد از این کلمه پرسشی نیازی به ساختار سؤالی نداریم و باید از ساختار خبری استفاده کنیم. اگر به این جمله دقت کنیم، متوجه می شویم که اصلاً این جمله سؤالی نیست. بنابراین بودن کلمه پرسشی در جمله، همیشه باعث نمی شود که جمله را سؤالی کنیم. مفهوم جمله نشان می دهد که کلمه پرسشی دارد سؤال می پرسد یا نه. غیر از گزینه d، بقیه گزینه ها ساختار سؤالی دارند و نمی توانند جواب صحیح باشند.

294: b امیدوارم که او قبل از این که من بروم، به خانه یسرعموهایمان برسد تا این که من بتوانم چند داستان جالب بشنوم.

کلمه قبل از جای خالی (او) فاعلی جای خالی (رسیدن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه های a و b). فعل get معانی زیادی دارد که در بعضی از این معانی می تواند مجهول شود. این فعل در این جمله به معنی «رسیدن» و مشابه arrive به کار رفته است. در این معنی، مثل خود arrive، یک فعل لازم است و اصلاً نمی تواند مجهول شود. مفهوم ادامه جمله نشان می دهد که گوینده منتظر رسیدن این فرد است و نمی توانیم جای خالی را با زمان گذشته تکمیل کنیم. کلمه so به عنوان حرف ربط، می تواند حرف ربط نتیجه به معنی «بنابراین» یا حرف ربط هدف به معنی «تا، تا این که» باشد.

295: a امروزه دستگاه ها برای انجام دادن کارهای دشوار مختلف زیادی استفاده می شوند.

کلمه قبل از جای خالی (دستگاه ها) مفعول جای خالی (استفاده کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه های a و c)، مفهومی که قید زمان حال nowadays به جمله می دهد باعث می شود که زمان مناسب برای این جمله حال ساده باشد، نه حال کامل.

296: d یک فیلم که در مورد زندگی دو دانشمند بزرگ است همین حالا در هالیوود دارد ساخته می شود.

مفهوم جمله به وضوح نشان می دهد که فعلی که در جای خالی می آید، مربوط به کلمه «فیلم» است، نه کلمه «دانشمندان» که به جای خالی چسبیده است. کلمه «فیلم» مفعول جای خالی (ساختن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه های b, c و d). با توجه به مفرد بودن کلمه «فیلم»، باید یکی از گزینه های c و d جواب صحیح باشد. قید زمان right now نشان می دهد که این فیلم همین حالا «دارد ساخته می شود»، پس باید در این جمله از زمان حال استمراری استفاده کنیم، نه حال ساده.

297: c معلم گفت: «به زودی چند کتاب برای دانش آموزانی که می خواهند در مورد این موضوع بیشتر بدانند فراهم خواهد شد.»

عبارت قبل از جای خالی (چند کتاب) مفعول جای خالی (فراهم کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه های c و d). مفهوم جمله و آمدن قید زمان soon (به زودی) در انتهای جمله، نشان می دهد که باید در این جمله از زمان آینده استفاده کنیم، نه گذشته. دقت داشته باشیم که آمدن will در این جمله اشتباه نیست، چون این جمله پایه گذشته ندارد. بعد از عبارت The teacher said علامت نقل قول (" ") آورده شده است. این یعنی جمله ای که داخل علامت نقل قول آمده، یک جمله مستقل است، نه ادامه پایه گذشته. پس در این حالت نباید پایه گذشته را در نظر بگیریم.

298: a آدام به مدت سی سال در آن شرکت کار کرده است و خوشش می آید وقتی که توسط تازه وارد ها به او دستور داده می شود.

کلمه قبل از جای خالی (آدام) فاعلی جای خالی (کار کردن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد (گزینه های a و c). این که در ادامه جمله با زمان حال گفته شده «خوشش نمی آید»، نشان می دهد که این فرد هنوز هم در آن شرکت کار می کند، بنابراین با توجه به مفهوم از گذشته تا حال که از این جمله برداشت می شود، باید برای تکمیل جای خالی از زمان حال کامل استفاده کنیم، نه گذشته ساده.

299: d مردی که در خانه یغلی زندگی می کرد با یک چاقو کشته شد.

کلمه قبل از جای خالی (مرد) مفعول جای خالی (کشتن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد (گزینه های c و d). همان طور که در درس نامه گرامر گفتیم، بعد از فعل مجهول، انجام دهنده کار را با by و وسیله انجام کار را با with می آوریم. چاقو وسیله انجام کار است، نه انجام دهنده کار، پس باید با with همراه شود.

300: b به او گفته شد که آن ها در یک شهر بزرگ خیلی دور از شهر کوچک او زندگی می کنند.

فعل tell در این جمله باید مجهول باشد و تنها گزینه ای که $be + p.p$ دارد گزینه b است. نکته خیلی مهمی که در مورد کاربرد فعل tell وجود دارد این است که بعد از این فعل همیشه باید مفعول بیاید. نیامدن مفعول بعد از جای خالی نشان می دهد که این فعل در این جمله باید به شکل مجهول به کار برود. ولی فعل say این طور نیست و می تواند با مفعول یا بدون مفعول آورده شود. به چهار عبارت زیر توجه کنید که اولی اشتباه است و بقیه درست،

- او گفت که ... ☐ He told that ...
- او به من گفت که ... ☒ He told me that ...
- او گفت که ... ☒ He said that ...
- او به من گفت که ... ☒ He said to me that ...

291 **was founded**: آن شرکت کاملاً قدیمی است. در سال ۱۹۳۵ تأسیس شد.

کلمه قبل از جای خالی (it) که به شرکت اشاره دارد) مفعول جای خالی (تأسیس کردن) است. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. آمدن قید زمان گذشته in 1935 در انتهای جمله نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم.

292 **have been bought**: حدود ۳۰۰ کتاب جدید از یارمال (تا حالا) برای کتابخانه خریده شده است.

کلمه قبل از جای خالی (کتاب‌ها) مفعول جای خالی (خریدن) است. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. یا توجه به مفهوم از گذشته تا حال که از عبارت since last year برداشت می‌شود، باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم.

293 **was sent**: او به خارج از کشور فرستاده شد تا در یک بانک کار کند. ولی از آن متنفر بود.

کلمه قبل از جای خالی (او) مفعول جای خالی (فرستادن) است. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. گذشته بودن ادامه جمله نشان می‌دهد که از نظر مفهومی، ابتدای این جمله هم به زمان گذشته ساده نیاز دارد.

294 **reported**: او به پلیس زنگ زد و حمله شدن به او در بیرون خانه‌اش را گزارش کرد.

کلمه‌ای که باید ارتباط معلوم یا مجهول آن با جای خالی را چک کنیم، ضمیر she است که در ابتدای جمله آمده و از سر جای خالی به قرینه حذف شده است. این کلمه فاعلی جای خالی (گزارش کردن) است. پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد. گذشته بودن فعل phoned نشان می‌دهد که ادامه جمله هم از نظر مفهومی به همین زمان گذشته ساده نیاز دارد.

295 **was flown**: چند دقیقه بعد از تصادف، آن مرد مجروح از طریق آمبولانس هوایی به نزدیک‌ترین بیمارستان برده شد (پرواز داده شد).

کلمه fly می‌تواند به معنی «پرواز کردن» یا «به پرواز درآوردن» و یا در مورد یک شخص یا کالا به معنی «با هواپیما جابه‌جا کردن، از طریق هوایی بردن» باشد. کلمه قبل از جای خالی (مرد مجروح) در این جمله مفعول این فعل است. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد تا بگوید که این فرد از طریق هوایی به بیمارستان برده شده است. مفهومی که عبارت «چند دقیقه بعد از تصادف» به جمله می‌دهد، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم. اگر اسم مفعول fly را بلد نبودید، حتماً لیست افعال بی‌قاعده را در انتهای کتابچه واژگان بخوانید.

296 **was lost**: من هیچ وقت کتابی را که دنبالش می‌گشتم پیدا نکردم. فکر می‌کنم وقتی که به خانه جدیدمان اسباب‌کشی کردیم، آن کتاب گم شد.

کلمه قبل از جای خالی (it) که به کتاب اشاره دارد) مفعول جای خالی (گم کردن) است. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. قید زمان گذشته که به صورت «جمله گذشته + when» آمده، نشان می‌دهد که باید در جای خالی از زمان گذشته ساده استفاده کنیم.

297 **being read**: آیا آن رمان در حال حاضر دارد خوانده می‌شود یا من می‌توانم آن را بخوانم؟

کلمه قبل از جای خالی (رمان) مفعول جای خالی (خواندن) است. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. عبارت at the moment (در حال حاضر) نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال استمراری استفاده کنیم. این فعل حال استمراری مجهول به شکل is being read ساخته می‌شود که is در صورت سؤال نوشته شده و چون جمله سؤالی است، جای آن با فاعل عوض شده است. گذشته و اسم مفعول فعل read خود همین کلمه، ولی با تلفظ متفاوت است. شکل گذشته و اسم مفعول این فعل به صورت red تلفظ می‌شود.

298 **wasn't called**: هیچ‌کس در آن تصادف آسیب ندید، بنابراین به آمبولانس زنگ زده نشد.

کلمه قبل از جای خالی (آمبولانس) مفعول جای خالی (زنگ زدن) است. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. گذشته بودن بخش اول جمله نشان می‌دهد که بخش دوم جمله هم از نظر مفهومی به زمان گذشته ساده نیاز دارد. طبیعتاً آمدن not در پرانتز صورت سؤال به این معنی است که فعل این جمله باید به شکل منفی نوشته شود. در این نوع سؤالات تشریحی باید همیشه حواسمان به مفهوم جمله باشد، چون ممکن است جمله به فعل منفی نیاز داشته باشد ولی صورت سؤال با آوردن not ما را راهنمایی نکرده باشد.

299 **has been taught**: به مدت چندین سال به پیتز آواز خواندن یاد داده شده است. فکر می‌کنم که حالا می‌توانیم او را یک خواننده حرفه‌ای بنامیم.

کلمه قبل از جای خالی (پیتز) مفعول جای خالی (یاد دادن) است. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. مفهوم از گذشته تا حال و تأکیدی که بر آثار حال یاد دادن در این جمله وجود دارد، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم.

300 **Has - been added**: این اتاق متفاوت به نظر می‌رسد. چیز جدیدی اضافه شده است؟

بخش اصلی این فعل قرار است در جای خالی دوم بیاید. جای خالی اول به اولین فعل کمکی اختصاص دارد که به خاطر سؤالی شدن جمله، جای آن با فاعل عوض شده است. عبارت قبل از جای خالی دوم (چیز جدیدی) مفعول این جای خالی (اضافه کردن) است. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. این جمله بر آثار حال یک عمل گذشته تأکید دارد. بنابراین باید از زمان حال کامل برای تکمیل جاهای خالی استفاده کنیم.

301 **is thought**: هیچ‌کس آدرس دقیق را نمی‌داند، ولی این طور فکر می‌شود که او جایی در روسیه است.

کلمه قبل از جای خالی (او) مفعول جای خالی (فکر کردن) است. این جمله می‌خواهد بگوید که فکر و تصویری در مورد این فرد وجود دارد، نه این‌که خود این فرد فکری کند. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. حال بودن ابتدای این جمله نشان می‌دهد که از نظر مفهومی، جای خالی هم به زمان حال ساده نیاز دارد.

302 **will be given**: چند دقیقه قبل از این‌که امتحان بعدی شروع شود، سؤالات به شما داده خواهد شد.

کلمه قبل از جای خالی (شما) مفعول جای خالی (دادن) است. پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. یا توجه به این‌که این صحبت در مورد امتحان «بعدی» است، مفهوم این جمله به زمان آینده نیاز دارد که می‌تواند با will یا be going to ساخته شود.

303 was built: برج ایفل توسط مهندس فرانسوی، الکساندر گوستاو ایفل، ساخته شد.

کلمه قبل از جای خالی (برج ایفل) مفعول جای خالی (ساختن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. مشخص است که ساختن برج ایفل در گذشته انجام شده، بنابراین باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم.

304 have caught: تو باید به ایستگاه پلیس بروی چون پلیس مردی را که ماشینت را دزدید گرفته است. او در حال حاضر دارد بازجویی می‌شود.

کلمه قبل از جای خالی (پلیس) فاعل جای خالی (گرفتن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد. شاید بتوانیم این جمله را با زمان گذشته ساده هم بنویسیم، ولی با توجه به تأکیدی که بر آثار حال این عمل گذشته وجود دارد، مناسب‌ترین زمان برای این جمله زمان حال کامل است. همان‌طور که در بخش تست‌های گرامر این درس هم گفتیم، کلمه police در انگلیسی همیشه «جمع» محسوب می‌شود و بعد از آن باید فعل جمع بیاوریم.

305 been visited: آیا این موزه توسط دانش‌آموزان زیادی که حدوداً هم‌سن من هستید بازدید شده است؟

کلمه قبل از جای خالی (موزه) مفعول جای خالی (بازدید کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. آمدن فعل has در ابتدای جمله نشان می‌دهد که زمان این جمله، حال کامل است و به خاطر سؤالی بودن جمله، جای has با فاعل عوض شده است. بنابراین باید در جای خالی این سؤال، بقیه اجزای این فعل حال کامل مجهول را بنویسیم.

306 has been taken: از وقتی که دانشگاه را شروع کردیم، یک عکس از من و هم‌کلاسی‌هایم در انتهای هر دوره گرفته شده است.

کلمه قبل از جای خالی (عکس) مفعول جای خالی (گرفتن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. با توجه به مفهوم از گذشته تا حال که از عبارت since we started university برداشت می‌شود، باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم. فعلی که در جای خالی می‌آید باید از نظر شخص یا اسم مفرد photograph تطابق داشته باشد. نه اسم جمع classmates که به جای خالی چسبیده است. بنابراین فعل حال کامل مجهول باید به صورت مفرد در جای خالی نوشته شود.

307 were found: کشاورزان آن خانم‌ها را به بیمارستان بردند وقتی آن‌ها در حالی که در جنگل گم شده بودند، پیدا شدند.

ضمیر they که قبل از جای خالی آمده، به women (خانم‌ها) اشاره دارد. اگر قرار بود این ضمیر به کشاورزان اشاره داشته باشد، باید یک them برای اشاره به خانم‌ها بعد از جای خالی می‌آمد تا جمله به صورت when they found them نوشته شود. بنابراین در این جمله، باید فعل «پیدا کردن» را به صورت مجهول بیاوریم تا فعل «پیدا شدن» برای اشاره به خانم‌ها ساخته شود. گذشته بودن ابتدای این جمله نشان می‌دهد که از نظر مفهومی، جای خالی هم به زمان گذشته ساده نیاز دارد.

308 are being painted: همین حالا در حالی که ما داریم صحبت می‌کنیم، اتاق‌های بچه‌ها دارند رنگ می‌شوند.

کلمه قبل از جای خالی (اتاق‌ها) مفعول جای خالی (رنگ کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. عبارتی که بعد از جای خالی آمده نشان می‌دهد که این عمل همین حالا در حال انجام شدن است. بنابراین باید در این جمله از زمان حال استمراری استفاده کنیم.

309 is not played: این روزها بیس‌بال در سراسر جهان بازی نمی‌شود.

کلمه قبل از جای خالی (بیس‌بال) مفعول جای خالی (بازی کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. عبارت these days و مفهوم کلی این جمله نشان می‌دهد که برای تکمیل جای خالی باید از زمان حال ساده استفاده کنیم، چون یک اشاره کلی به بازی شدن بیس‌بال دارد، با توجه به کلمه not که در پرانتز آمده، باید این فعل را به شکل منفی بنویسیم.

310 was posted: نمی‌دانم که چرا هنوز آن بسته را دریافت نکرده‌ایم. بیش از یک هفته پیش پُست شد.

کلمه قبل از جای خالی (it)، که به بسته اشاره دارد، مفعول جای خالی (پُست کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. آمدن قید زمان گذشته over a week ago در انتهای جمله نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم.

311 were made: اولین قالبیچه‌ها با دست ساخته می‌شدند و بهترین قالبیچه‌ها هنوز هم دست‌ساز هستند.

کلمه قبل از جای خالی (قالیچه‌ها) مفعول جای خالی (ساختن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. مشخص است که ساختن اولین قالبیچه‌ها در گذشته انجام می‌شده، بنابراین باید در این جمله از زمان گذشته ساده استفاده کنیم.

312 caught: ما مجبور شدیم که خانه را ترک کنیم وقتی که یکی از اتاق‌ها آتش گرفت.

عبارت catch fire به معنی «آتش گرفتن» است. از معنی این عبارت مشخص است که فعل catch در این عبارت نمی‌تواند مجهول شود. گذشته بودن ابتدای این جمله نشان می‌دهد که از نظر مفهومی، جای خالی هم به زمان گذشته ساده نیاز دارد.

313 was eaten: تمام کیک توسط دانش‌آموزان خورده شد، بنابراین معلم هیچ کیک‌ی دریافت نکرد (به معلم هیچی نرسید).

کلمه قبل از جای خالی (کیک) مفعول جای خالی (خوردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. گذشته بودن بخش دوم این جمله نشان می‌دهد که از نظر مفهومی، بخش اول جمله هم به زمان گذشته ساده نیاز دارد. کل کیک در این جمله به عنوان یک واحد در نظر گرفته می‌شود و به همین دلیل، خود این کلمه به صورت مفرد آمده و با فعل مفرد هم همراه می‌شود.

314 be needed: آیا این کتاب‌ها در سال آینده مورد نیاز خواهند بود یا می‌توانم آن‌ها را به پسرعمویم بدهم؟

کلمه قبل از جای خالی (کتاب‌ها) مفعول جای خالی (نیاز داشتن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. آمدن فعل Will در ابتدای جمله نشان می‌دهد که زمان این جمله، آینده است و به خاطر سؤالی بودن جمله، جای Will با فاعل عوض شده است. بنابراین باید در جای خالی این سؤال، بقیه اجزای این فعل آینده مجهول را بنویسیم.

315 **is regarded**: الکس به عنوان یکی از سخت‌کوش‌ترین دانش‌آموزان در مدرسه ما به شمار می‌رود و همه معلم‌ها او را خیلی دوست دارند.
کلمه قبل از جای خالی (الکس) مفعول جای خالی (به شمار آوردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. حال بودن بخش دوم این جمله نشان می‌دهد که از نظر مفهومی، بخش اول جمله هم به زمان حال ساده نیاز دارد.

316 **haven't been found**: متأسفانه، گوه‌نوردان گم‌شده هنوز پیدا نشده‌اند.
کلمه قبل از جای خالی (گوه‌نوردان) مفعول جای خالی (پیدا کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. مفهوم از گذشته تا حال که از قید yet برداشت می‌شود، نشان می‌دهد که باید در این جمله از زمان حال کامل استفاده کنیم. کاملاً مشخص است که این جمله به فعل منفی نیاز دارد، ولی در پرانتز صورت سؤال not آورده نشده و تشخیص منفی بودن جمله به خودمان واگذار شده است.

317 **was being repaired**: وقتی که من این شهر را ترک کردم، سیستمای قدیمی داشت تعمیر می‌شد، آن را تمام کرده‌اند؟
کلمه قبل از جای خالی (سینما) مفعول جای خالی (تعمیر کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. مفهوم این جمله نشان می‌دهد که سینما در حال تعمیر شدن بوده است، بنابراین برای تکمیل جای خالی باید از زمان گذشته استمراری استفاده کنیم.

318 **will win**: حمید در شطرنج خیلی ماهر نیست، بنابراین فکر می‌کنم که به راحتی برنده خواهم شد.
کلمه قبل از جای خالی (من) فاعل جای خالی (برنده شدن) است، پس این جمله به فعل معلوم نیاز دارد. کلمه «شدن» که در ترجمه فعل Win می‌آید نباید ما را به اشتباه بیندازد. فعل Win به معنی «برنده کردن» نیست که مجهول آن «برنده شدن» باشد! خود این فعل در حالت معلوم به معنی «برنده شدن» است. بنابراین باید به معنی فعل توجه کنیم و تا در معنی فارسی فعل، کلمه «شدن» را می‌بینیم، نباید چشم‌پسته سراغ فعل مجهول برویم. مفهوم این جمله نشان می‌دهد که این بازی در آینده انجام خواهد شد و باید جای خالی را با زمان آینده تکمیل کنیم.

319 **is believed**: اعتقاد بر این است که حمله قلبی یکی از نتایج خوردن غذاهای چرب است.
کلمه قبل از جای خالی (حمله قلبی) نمی‌تواند فاعل جای خالی (اعتقاد داشتن) باشد، این جمله می‌خواهد بگوید که این اعتقاد در مورد حمله قلبی وجود دارد، نه این‌که خود حمله قلبی اعتقادی داشته باشد! پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. مفهوم کلی این جمله نشان می‌دهد که برای تکمیل جای خالی باید از زمان حال ساده استفاده کنیم، چون یک اشاره کلی به اعتقادی در مورد حمله قلبی شده است.

320 **has been chosen**: من به دخترم افتخار می‌کنم چون او برای بازی کردن برای تیم ملی انتخاب شده است.
کلمه قبل از جای خالی (او) مفعول جای خالی (انتخاب کردن) است، پس این جمله به فعل مجهول نیاز دارد. این جمله بر آثار حال یک عمل گذشته تأکید دارد، در گذشته دختر این فرد برای تیم ملی انتخاب شده و الان این فرد می‌گوید که به او افتخار می‌کند. بنابراین باید از زمان حال کامل برای تکمیل این جمله استفاده کنیم.

321 آن نامه قبلاً تایپ شده است.
The letter has been typed before.

322 آن بازی توسط شش بازیکن در هر تیم بازی می‌شود.
The game is played by six players on each team.

323 برگه‌های ما قبلاً تصحیح شده‌اند.
Our papers have (already) been corrected (already).

در درس‌نامه گرامر، در بخش «قیدهای مجاز برای حال کامل» قیدهایی در جدول آورده شده‌اند که جای خاصی نسبت به فعل دارند. در بعضی از سوالات این بخش، باید به جای این قیدها دقت کنیم. قید already هم می‌تواند در انتهای جمله خود بیاید و هم در کنار فعل. وقتی که این قید در کنار فعل می‌آید، باید قبل از فعل اصلی، یا در صورت داشتن چند فعل کمکی، بعد از اولین فعل کمکی آورده شود. بنابراین جمله این سؤال را به دو شکل می‌توانیم بنویسیم. قید already می‌تواند در هر یک از دو جایی که در پاسخ این سؤال داخل پرانتز نوشته شده آورده شود.

324 اسم او هرگز فراموشی نخواهد شد.
His name will never be forgotten.

کلمه never یک قید تکرار است و در حالت عادی، باید قبل از فعل اصلی، یا در صورت داشتن چند فعل کمکی، بعد از اولین فعل کمکی آورده شود.

325 آیا آن کتابخانه توسط افراد مسن زیادی استفاده می‌شود؟
Is the library used by many older people?

علامت سؤالی که در انتهای جمله آمده خیلی مهم است. این علامت سؤال نشان می‌دهد که باید IS را در ابتدای جمله بیاوریم تا جمله ساختار سؤالی داشته باشد.

326 من همیشه این نوع موسیقی را دوست داشتم.
I have always liked this kind of music.

کلمه always هم مثل never که قبل‌تر توضیح داده شد، یک قید تکرار است و در حالت عادی، باید قبل از فعل اصلی، یا در صورت داشتن چند فعل کمکی، بعد از اولین فعل کمکی آورده شود.

327 آن فرش دارد توسط دو دختر جوان بافته می‌شود.
The carpet is being woven by two young girls.

328 او تازه از یک سفر کاری به شیراز، برگشته است.
She has just come back from a business trip to Shiraz.

او تازه از یک سفر کاری، به شیراز برگشته است.
She has just come back to Shiraz from a business trip.

در این جمله، دو عبارت from a business trip و to Shiraz قابل جای‌جایی هستند. تفاوت مفهومی این دو جمله، با دقت به ویرگول در ترجمه آن‌ها مشخص است. چیزی که مهم است این است که به هر دو جواب نمره کامل داده می‌شود. نکته مهم‌تری که در این سؤال مطرح است، جای Just در این جمله است. قید just معانی مختلفی دارد و می‌تواند به معنی «فقط» یا «تازه» همین الان» و یا «درست» دقیقاً در جمله استفاده شود. این قید به معنی «تازه» همین الان»، باید قبل از فعل اصلی، یا در صورت داشتن چند فعل کمکی، بعد از اولین فعل کمکی آورده شود.

329 او اخیراً کتابی را از انگلیسی به فارسی ترجمه کرده است.
He has (recently) translated a book from English to Persian (recently).

قید recently هم مثل قید already که در سوالات قبل دیدیم، هم می‌تواند در انتهای جمله خود بیاید و هم در کنار فعل. وقتی که این قید در کنار فعل می‌آید، باید قبل از فعل اصلی، یا در صورت داشتن چند فعل کمکی، بعد از اولین فعل کمکی آورده شود. بنابراین جمله این سؤال را به دو شکل می‌توانیم بنویسیم. قید recently می‌تواند در هر یک از دو جایی که در پاسخ این سؤال داخل پرانتز نوشته شده آورده شود.

- 330 من توسط پلیس متوقف شدم چون داشتم بیش از حد تند رانندگی می‌کردم.
I was stopped by the police because I was driving too fast.
- 331 آیا سال آینده تعداد دانش‌آموزان افزایش خواهد یافت؟
Will the number of students increase next year?
با توجه به علامت سوالی که در انتهای جمله آمده، باید Will را در ابتدای جمله بیاوریم تا جمله ساختار سوالی داشته باشد.
- 332 من از وقتی که دبیرستان را شروع کردم، پینگ‌پنگ بازی کرده‌ام.
I have played Ping-Pong since I started high school.
- 333 کلاس داشت تمیز می‌شد وقتی که دانش‌آموزان شروع کردند به رسیدن برای کلاس.
The classroom was being cleaned when the students started arriving for class.
- 334 من هنوز وقت نداشتم‌ام که این فیلم را تماشا کنم.
I haven't (yet) had time to watch this movie (yet).
قید yet هم مثل قیدهای already و recently که در سوالات قبل دیدیم، هم می‌تواند در انتهای جمله خود بیاید و هم در کنار فعل. وقتی که این قید در کنار فعل می‌آید، باید قبل از فعل اصلی، یا در صورت داشتن چند فعل کمکی، بعد از اولین فعل کمکی آورده شود. بنابراین جمله این سوال را به دو شکل می‌توانیم بنویسیم. قید yet می‌تواند در هر یک از دو جایی که در پاسخ این سوال داخل پراکنش نوشته شده آورده شود، البته کاربرد قید yet در انتهای جمله رایج‌تر است.
- 335 آیا تا به حال نظرت از تو پرسیده شده است؟
Have you ever been asked for your opinion?
قید ever معمولاً در جملات منفی یا سوالی و به معنی «تا به حال، تاکنون» استفاده می‌شود. این قید باید قبل از فعل اصلی، یا در صورت داشتن چند فعل کمکی، بعد از اولین فعل کمکی آورده شود. علامت سوالی که در انتهای جمله آمده نشان می‌دهد که این جمله باید ساختار سوالی داشته باشد. به همین دلیل است که جای you و have یا هم عوض شده است.
- 336 او هنوز در مورد مشککش با دکترش صحبت نکرده است.
He still hasn't talked to his doctor about his problem.
همان‌طور که در پاسخ قسمت‌های گرامر گفتیم، وقتی که still یا فعل منفی همراه می‌شود، باید قبل از کل فعل بیاید، ولی اگر این قید با فعل مثبت همراه شود، باید قبل از فعل اصلی، یا در صورت داشتن چند فعل کمکی، بعد از اولین فعل کمکی آورده شود.
- 337 چه کاری هر هفته توسط آن پسر جوان انجام می‌شود؟
His grandparents are visited by the young boy every week.
پدربزرگ و مادربزرگش هر هفته توسط آن پسر جوان ملاقات می‌شوند.
- 338 چه کاری دیروز توسط آن پسر بچه انجام شد؟
The window was broken by the little boy yesterday.
پنجره دیروز توسط آن پسر بچه شکسته شد.
- 339 چه کاری به مدت ده سال توسط سارا انجام شده است؟
English has been studied by Sara for ten years.
انگلیسی به مدت ده سال توسط سارا خوانده شده است.
- 340 چه کاری از هفته پیش توسط مریم انجام نشده است؟
The room hasn't been cleaned by Maryam since last week.
اتاق از هفته پیش توسط مریم تمیز نشده است.
- 341 b: خواهرت فیلم را تماشا نکرد، نه؟
چون جمله منفی است، باید برای آن سوال ضمیمه مثبت بنویسیم. فاعل سوال ضمیمه همیشه به شکل ضمیر فاعلی است و هیچ‌وقت نباید اسم باشد.
- 342 a: این بزرگ‌ترین خانه در محله ماست، نه؟
چون جمله مثبت است، باید برای آن سوال ضمیمه منفی بنویسیم. همان‌طور که در جدول تغییرات خاص در درس‌نامه گرامر دیدیم، وقتی که فاعل جمله this یا that باشد، باید در سوال ضمیمه به جای آن it بیاوریم.
- 343 b: او هر روز ناهارش را سرکار می‌خورد، نه؟
چون جمله مثبت است، باید برای آن سوال ضمیمه منفی بنویسیم. فعل has در این جمله به عنوان یک فعل اصلی و به معنی «خوردن» به کار رفته است، بنابراین برای سوالی و منفی کردن آن باید از doesn't استفاده کنیم. در انگلیسی قدیمی hasn't هم در این حالت استفاده می‌شده، ولی در انگلیسی امروزی hasn't فقط برای فعل کمکی has استفاده می‌شود و به کار بردن آن برای فعل اصلی has اشتباه است.
- 344 c: ماشین طرف‌شویی هیچ مشکلی نداشت، نه؟
کلمه nothing جمله را منفی می‌کند و باید برای آن سوال ضمیمه مثبت بنویسیم. طبق جدول تغییرات خاص، وقتی که nothing فاعل جمله باشد، باید در سوال ضمیمه به جای آن it بیاوریم.
- 345 c: هادی ورزش روزانه زیادی انجام می‌دهد، نه؟
فاعل سوال ضمیمه باید به شکل ضمیر فاعلی بیاید، نه اسم. همان‌طور که در درس‌نامه گرامر گفتیم، برای ساختن سوال ضمیمه منفی، همیشه باید از حالت مخفف n't استفاده کنیم و آوردن not در سوال ضمیمه اشتباه است. البته در حالت خیلی رسمی می‌توانیم سوال ضمیمه منفی را با not بیاوریم، به شرطی که not را در انتهای سوال ضمیمه و بعد از فاعل بنویسیم؛ یعنی در این جمله به جای doesn't he می‌توانیم از does he not استفاده کنیم. این نکته را در درس‌نامه گرامر نیاوریم چون در درس ما نیست و خیلی بعید است که طراح سوال از آن استفاده کند.

فرمول
لیست



گاج

تجلیل سطر پہ سطر واژگان



انگلیسی

ارشاد عظیمی

واژگان ہفتم

تادواز دہم

مقدمه مؤلف

❖ شکی نیست که مهم‌ترین بخش زبان انگلیسی، واژگان آن است که علاوه بر داشتن سؤالات مستقل در امتحان نهایی، بیش‌نیاز تمام بخش‌های دیگر هم محسوب می‌شود. تسلط بر واژگان از طریق مرور و تکرار حاصل می‌شود. جدا شدن واژگان از کتاب اصلی و ارائه آن‌ها در قطعی کوچک‌تر، این امکان را برای دانش‌آموز فراهم می‌کند که راحت‌تر این کتابچه را همراه خود داشته باشد و از فرصت‌های مختلف برای مرور واژگان استفاده کند.

❖ در سؤالات ساده و متوسط امتحان نهایی، خیلی وقت‌ها از عین جملات کتاب درسی یا جملات مشابه آن‌ها استفاده می‌شود، به همین دلیل تصمیم گرفتیم به جای این‌که برای هر لغت، جملات متفاوتی را به عنوان مثال بیاوریم، خود جملات کتاب درسی را بررسی کنیم. جملات کتاب درسی بهترین مثال برای کاربرد هر لغت هستند و خواندن آن‌ها برای امتحان نهایی مفید است.

❖ در این کتابچه واژگان، هر لغتی که در کتاب درسی دوازدهم به کار رفته، آورده شده است؛ چه آن لغت در کتاب‌های درسی سال‌های قبل هم به کار رفته باشد، چه لغت جدیدی باشد که برای اولین بار در کتاب درسی دوازدهم آورده شده است.

❖ واژگان سال‌های قبل بیش‌نیاز دوازدهم محسوب می‌شوند و حتی اگر در امتحان نهایی به عنوان جواب صحیح سؤال واژگان آورده نشوند، ممکن است در صورت سؤالات یا متن‌ها به شکل تأییدگذاری مورد استفاده قرار بگیرند، به همین دلیل، اگر لغتی در کتاب‌های درسی سال‌های قبل در معنی متفاوتی نسبت به کتاب درسی دوازدهم به کار رفته، آن معنی هم برای آن لغت ارائه شده است. علاوه بر این، لیستی از واژگان سال‌های هفتم تا یازدهم که در کتاب درسی دوازدهم تکرار نشده‌اند در ابتدای کتابچه آورده شده است، با خواندن این لیست در کنار بقیه بخش‌های کتابچه، می‌توانیم با خیال راحت ادعا کنیم که تمام واژگان هفتم تا دوازدهم را به طور کامل خوانده‌ایم.

❖ معانی و نکات هر لغت، فقط در اولین جایی که آن لغت در کتاب درسی دوازدهم به کار رفته، نوشته شده است تا از تکرار بیهوده لغات و افزایش حجم کتابچه جلوگیری شود. لغاتی که بیش از یک بار در این کتابچه تکرار شده‌اند، لغاتی هستند که در کتاب درسی در معانی مختلفی به کار رفته‌اند و معانی آن‌ها به مرور تکمیل شده است، یا این‌که برای جمع‌بندی هم‌خانواده‌ها یا موارد مشابه آن لغات لازم بوده که در کنار لغت دیگری به آن‌ها اشاره شود.

❖ لیست افعال بی‌قاعده که در انتهای کتاب درسی آمده، تمام افعال بی‌قاعده داخل کتاب درسی را دربرنداد؛ این لیست در انتهای این کتابچه تکمیل شده و تمام افعال بی‌قاعده کتاب درسی دوازدهم به آن اضافه شده‌اند.

❖ در معادل‌های فارسی ارائه شده برای واژگان، برای تفکیک معادل‌هایی که در یک حوزه معنایی هستند از ویرگول (،) و برای جدا کردن معانی یا کاربردهای مختلف یک لغت از نقطه و ویرگول (؛) استفاده شده است. این تقسیم‌بندی می‌تواند نظم ذهنی خوبی را برای یادگیری واژگان به دانش‌آموز بدهد.

❖ در انتخاب معادل‌های فارسی برای واژگان، خطاهای رایج دانش‌آموزان در نظر گرفته شده و معادل‌هایی ارائه شده که از این خطاها جلوگیری شود. به‌طور کلی، تمام معانی ارائه شده در این کتابچه هدفمند هستند و یادگیری دقیق آن‌ها، می‌تواند در پاسخ‌گویی به سؤالات چالشی کمک زیادی به دانش‌آموز کند.

موفق و پیروز باشید
ارشاد عظیمی



5

INTRO
المقدمة

7

7-11
Vocabulary

LESSON ONE

16

PART 1
Introduction
and Get Ready

20

PART 2
Conversation

24

PART 3
New Words and
Expressions

27

PART 4
Reading
and Reading
Comprehension

32

PART 5
Vocabulary
Development

34

PART 6
Grammar

40

PART 7
Listening
and Speaking

44

PART 8
Writing

48

PART 9
What
You Learned

52

PART 10
Workbook

LESSON TWO

58

PART 1
Introduction
and Get Ready

60

PART 2
Conversation

63

PART 3
New Words and
Expressions

66

PART 4
Reading
and Reading
Comprehension

71

PART 5
Vocabulary
Development

74

PART 6
Grammar

78

PART 7
Listening
and Speaking

82

PART 8
Writing

90

PART 9
What
You Learned

92

PART 10
Workbook

LESSON THREE

100

PART 1
Introduction
and Get Ready

103

PART 2
Conversation

105

PART 3
New Words and
Expressions

108

PART 4
Reading
and Reading
Comprehension

113

PART 5
Vocabulary
Development

118

PART 6
Grammar

121

PART 7
Listening
and Speaking

124

PART 8
Writing

129

PART 9
What
You Learned

132

PART 10
Workbook

137

Irregular
Verbs



گایز لایو

www.gajlive.ir



7-11
VOCABULARY



واژگان
هفتم تا یازدهم

که در کتاب درسی دوازدهم تکرار نشده‌اند

بسیاری از واژگان هفتم تا یازدهم در کتاب درسی دوازدهم هم تکرار شده‌اند و در بخش مربوط به خود در این کتابچه آورده شده‌اند. بعضی دیگر از واژگان سال‌های قبل هم خانواده واژگان دوازدهم هستند و در کنار لغت مرتبط با خود نوشته شده‌اند. واژگانی که در این بخش می‌بینیم، واژگانی هستند که در کتاب درسی دوازدهم تکرار نشده‌اند. با توجه به این که واژگان سال‌های قبل بیش‌تیاز دوازدهم محسوب می‌شوند، ممکن است در صورت سوالات یا متن‌های امتحان نهایی به شکل ناآمرگذاری مورد استفاده قرار بگیرند. با خواندن واژگان این بخش و بقیه بخش‌های این کتابچه، تمام واژگان سال‌های هفتم تا دوازدهم را یاد می‌گیریم.

Aa

a bit (a little)	کمی، یک کمی
absolutely / adv.	قطعا، کاملاً
ache / n.	درد
afraid / adj.	ترسیده
against / prep.	در برابر، در مقابل، بر علیه، مخالف
agency / n.	نمایندگی، آژانس
agent / n.	نماینده، کارگزار
ahead / adv.	پیشی، رو، در پیش، جلو
alike / adj., adv.	شبهه به هم
almost / adv.	نزدیک به، تقریباً
amazed / adj.	شگفت‌زده
amazing / adj.	شگفت‌انگیز
amused / adj. (+ by)	سرگرم
amusing / adj.	سرگرم‌کننده
ankle / n.	مچ پا، قوزک
anniversary / n.	سالگرد، سالروز
anthem / n.	سرود
anti- / prefix	ضد، پاد-
anti-cancer / adj.	ضد سرطان
appendix / n.	ضمیمه، آبانده
area / n.	منطقه، ناحیه
arrow / n.	(علامت) فلش، پیکان
ashamed / adj.	شرمند، خجالت‌زده
association / n.	اتحاد، گانین
attach / v.	ضمیمه کردن، متصل کردن
attention / n.	توجه
attitude / n.	نگرش، طرز فکر، برخورد، رفتار

Bb

B.A. / n. (BrE: BA)	(مدرک) کارشناسی، لیسانس
backpack / n.	کوله پشتی
bag / n.	کیسه، کیف
baggage / n. (uncountable)	چمدان، بار
bake / v.	(نان، کیک و...) پختن
baker / n.	نانوا
balance / n., v.	تعادل، توازن، متعادل کردن، متوازن کردن
balanced / adj.	متعادل، متوازن
bean / n.	لوبیا، دانه (گیاهی)
beautiful / adj.	زیبا
beauty / n.	زیبایی
beginner / n.	مبتدی، تازه‌کار
behave / v. (+ towards)	رفتار کردن
behavior / n. (BrE: behaviour)	رفتار
bench / n.	نیمکت
beside / prep.	کنار، پهلو
besides / prep., adv.	علاوه بر، علاوه بر این
blanket / n.	پتو
bleed / v. (bled, bled)	خون‌ریزی کردن، خون آمدن
blend / n., v.	مخلوط، آمیزه؛ مخلوط کردن، قاطی کردن
board / n., v.	تخته، (هواپیمایی) سوار شدن
boat / n.	قایق
book / v.	رزرو کردن
booklet / n.	کتابچه، دفترچه، جزوه
bottle / n.	بطری، شیشه
bow / v., n.	تعظیم کردن، خم شدن، گمان
brave / adj.	(شخص) شجاع؛ (عمل) شجاعانه

LESSON

4

**Sense of
Appreciation**

And of Allah's **Signs** of Power is the **creation** of the **heavens** and the earth and **also** the **variation** of the languages and the color of you people; **verily**, in all these are Signs for men of **knowledge**.

و از نشانه‌های قدرت خداوند، آفرینش آسمان‌ها و زمین و نیز تنوع زبان‌ها و رنگ شما انسان‌هاست؛ به تحقیق، در همه این‌ها نشانه‌هایی برای اهل دانش وجود دارد.

sign /saɪn/ n.	نشانه، علامت؛ تابلو
sign language /ˈsaɪn ˌæŋɡwɪdʒ/ n.	زبان اشاره
creation /kriˈeɪʃən/ n.	خلق، آفرینش؛ ایجاد
create /kriˈeɪt/ v.	خلق کردن، آفریدن؛ ایجاد کردن، به وجود آوردن
creative /kriˈeɪtɪv/ adj.	(شخص) خلاق؛ (عمل) خلاقانه
heaven /ˈheɪvən/ n.	بهشت؛ (ادبی) آسمان
also /ˈɔːlsəʊ/ adv.	همچنین، هم، نیز
variation /ˌveriˈeɪʃən/ n.	تنوع، گونه‌گونی
verily /ˈveri.li/ adv.	(قدیمی) به راستی، به درستی، به تحقیق
knowledge /ˈnɒlədʒi/ n. (uncountable)	دانش

البته کلمه **uncountable** که جلوی این کلمه نوشته شده به معنی «غیرقابل شمارش» است. در این کتابچه، اسامی غیرقابل شمارش به این شکل مشخص شده‌اند. یاد گرفتن این کلمات از این لحاظ اهمیت دارد که باید بدانیم که این اسامی هیچ وقت جمع بسته نمی‌شوند یا a/an نمی‌گیرند. اگر هم بخواهیم برای آن‌ها فعل یا ضمیر بیاوریم، باید از فعل یا ضمیر مفرد استفاده کنیم، نه جمع. برای جواب دادن به بعضی از سؤالات، شناختن اسامی غیرقابل شمارش لازم است.

Sense of Appreciation	حسن قدردانی
sense /sens/ n.	حسن، احساس
appreciation /əˌpriːʃiˈeɪʃən/ n.	قدردانی، سپاسگزاری
appreciate /əˈpriːʃiət/ v.	قدردان بودن، قدر چیزی را دانستن

Interesting Facts	حقایق جالب
interesting /ˈɪntrəstɪŋ/ adj.	جالب
interested /ˈɪntrəstɪd/ adj. (+ in)	علاقه‌مند
interest /ˈɪntrəst/ n. v. (+ in)	علاقه؛ سود، منفعت؛ علاقه‌مند کردن

Helping others **lowers blood pressure**. کمک کردن به دیگران فشار خون را پایین می‌آورد.

lower /ˈləʊər/ v.	پایین آوردن، کاهش دادن
blood pressure /ˈblʌd ˌpreʃər/ n. (uncountable)	فشار خون
blood /blʌd/ n. (uncountable)	خون
pressure /ˈpreʃər/ n.	فشار
press /pres/ v.	فشار دادن؛ انو کردن

لکه زیرمجموعه‌هایی که یا فلش مشخص شده‌اند به اندازه بقیه لغات مهم هستند. این کلمات مواردی هستند که در کتاب‌های درسی سال‌های قبل یا در بخش‌های دیگری از کتاب درسی دوازدهم به کار رفته‌اند. برای یادگیری بهتر، هم خانواده‌ها یا موارد مشابه در کنار هم آورده شده‌اند. معانی مختلفی که برای هر لغت ارائه شده هم در بخش‌های مختلف کتاب‌های درسی به کار رفته‌اند. به عنوان مثال، همین فعل press که به عنوان زیرمجموعه اسم pressure در این قسمت آورده شده، در کتاب‌های درسی سال‌های قبل، هم به معنی «فشار دادن» به کار رفته و هم به معنی «اتو کردن». بنابراین تمام این معانی داخل کتاب محسوب می‌شوند و باید آن‌ها را بدانیم.

Kindness boosts energy and strength in elderly people.

مهربانی، انرژی و قدرت را در افراد سالمند تقویت می‌کند.

kindness /ˈkændɪs/ n.

مهربانی

↳ **kind** /kaɪnd/ adj. n.

مهربان، نوع، گونه

لکه پسوند -ness یک پسوند اسم‌ساز است که در این جا صفت kind (مهربان) را به اسم kindness (مهربانی) تبدیل کرده است.

boost /buːst/ v.

تقویت کردن

strength /streŋθ/ n.

قدرت، توان

↳ **strong** /strɒŋ/ adj.

قدرتمند، قوی

elderly /ˈeldəli/ adj.

پیر، مسن، سالمند

لکه پسوند -ly معمولاً قیدساز است، ولی نباید تصور کنیم که هر کلمه‌ای که -ly دارد قید است. کلمه elderly با این‌که آخرش -ly دارد، یک صفت است، نه قید.

Teenagers who help others are more successful in life.

نوجوانانی که به دیگران کمک می‌کنند، در زندگی موفق‌تر هستند.

teenager /ˈtiːneɪdʒər/ n.

نوجوان

teenagers who ...

نوجوانانی که ...

لکه کلمات **wh** را قبلاً به عنوان کلمه پرسشی دیده‌ایم؛ مثلاً همین **who** را به معنی «چه کسی» می‌شناسیم. ولی بعضی از **wh** ها می‌توانند به عنوان موصول و به معنی «که» هم در جمله استفاده شوند. با این نقش آن‌ها در گرامر درسی دوم آشنا خواهیم شد.

successful /səkˈsesfəl/ adj.

موفق، موفقیت‌آمیز

↳ **success** /səkˈses/ n.

موفقیت

↳ **succeed** /səkˈsɪd/ v.

موفق شدن

Listening to the advice of older people improves our lives.

گوش کردن به توصیه افراد بزرگ‌تر زندگی ما را بهبود می‌بخشد.

advice /ədˈvaɪs/ n. (uncountable)

توصیه، نصیحت

↳ **advise** /ədˈvaɪz/ v.

توصیه کردن، نصیحت کردن

improve /ɪmˈpruːv/ v.

بهبود بخشیدن/ یافتن، بهتر کردن/ شدن

↳ **improvement** /ɪmˈpruːvment/ n.

بهبود، اصلاح؛ پیشرفت، ترقی

lives /laɪvz/ n. pl.

زندگی‌ها

TV



انگلیسی ۳

کاج

البته این کلمه حالت جمع life است. در سال‌های قبل خواندیم که اکثر اسم‌هایی که حرف آخرشان f یا fe است، موقع جمع بسته شدن، f یا fe تبدیل به ves می‌شود؛ مثل wolf (گرگ) و knife (چاقو) که جمعشان می‌شود wolves و knives. البته این قاعده استثناهایی هم دارد که مهم‌ترین آن‌ها دو کلمه belief (اعتقاد، عقیده، باور) و roof (پشت بام، سقف) هستند که جمع آن‌ها beliefs و roofs می‌شود و ves نمی‌گیرند. البته حالت‌های مختلف و هم خانواده‌های این کلمه که در کتاب‌های درسی به کار رفته‌اند در ادامه آورده شده است:

(فعل یا تلفظ لیو) زندگی کردن؛ (صفت یا تلفظ لایو) زنده
 live /lɪv/ v. /laɪv/ adj.
 (اسم مفرد) زندگی
 life /laɪf/ n.
 (فعل یا سوم شخص مفرد یا تلفظ لیوز) زندگی کردن؛ (جمع اسم life یا تلفظ لایوز) زندگی‌ها
 lives /lɪvz/ v. /laɪvz/ n. pl.
 (شکل standing فعل live برای استمراری یا مصدر) زندگی کردن؛ (اسم) زندگی؛ (صفت) زنده
 living /lɪvɪŋ/ v. n. adj.
 (صفت یا تلفظ لایو) زنده
 alive /əˈlaɪv/ adj.

Taking care of grandchildren increases brain function and memory.

مراقبت کردن از نوه‌ها عملکرد مغز و حافظه را افزایش می‌دهد.

take care of /teɪk ˈkeər əv/ phr.	مراقبت کردن از، مواظبت کردن از
take care /teɪk ˈkeər/ phr.	مراقب بودن، مواظب بودن
grandchild /ˈgræntʃaɪd/ n. (pl. grandchildren)	نوه
increase /ɪnˈkriːs/ n. /ɪnˈkriːs/ v.	افزایش؛ افزایش دادن / یافتن
decrease /dɪˈkriːs/ n. /dɪˈkriːs/ v.	کاهش؛ کاهش دادن / یافتن
brain /breɪn/ n.	مغز
function /ˈfʌŋkʃən/ n.	عملکرد؛ کارکرد، نقش
memory /ˈmeməri/ n.	حافظه؛ خاطره

Get Ready

آماده شوید

Match the pictures with the following sentences. تصاویر و جملات زیر را کنار هم بگذارید.

match /mætʃ/ v. n.	جفت کردن، کنار هم گذاشتن؛ مسابقه؛ کبریت
the following	زیر، موارد زیر، آن‌چه در ادامه آمده
follow /ˈfɒləʊ/ v.	دنبال کردن، تعقیب کردن؛ پیروی کردن از

Children should respect their parents. بچه‌ها باید به والدین‌شان احترام بگذارند.

respect /rɪˈspekt/ n. v.	احترام؛ احترام گذاشتن به
respectful /rɪˈspektfəl/ adj.	محترمانه، مؤدبانه
be respectful of	احترام گذاشتن به، محترمانه رفتار کردن با
البته دقت داشته باشیم که کلمه respect وقتی که فعل است «احترام گذاشتن به» ترجمه می‌شود، یعنی مفهوم حرف اضافه «به» را در خود دارد و نباید بعد از آن حرف اضافه بیاوریم. ولی اگر این کلمه اسم باشد، معمولاً با حرف اضافه for همراه می‌شود.	
respect sb (NOT respect to/for sb) = have respect for sb	احترام گذاشتن به کسی

We have to take care of elderly people. ما باید از افراد سالمند مراقبت کنیم.

have to / has to / had to مجبور بودن، باید

Family **members** should listen to **each other**. اعضای خانواده باید به یکدیگر گوش کنند.

member /'membə/ n.

عضو

each other /iːtʃ 'ʌðər/ pron.

یکدیگر، همدیگر

We can help many people by **donating** what they need.

ما می‌توانیم به افراد زیادی از طریق اهدا کردن آن‌چه به آن‌ها نیاز دارند، کمک کنیم.

donate /'dɒneɪt/ v.

(پول، خون و ...) اهدا کردن، بخشیدن

Why are these people **famous**?

چرا این افراد مشهور هستند؟

famous /'feɪməs/ adj.

مشهور، معروف

↳ **fame** /feɪm/ n.

شهرت، آوازه

How do you **feel** when you read about these people?

وقتی که در مورد این افراد می‌خوانید چه احساسی می‌کنید؟

feel /fiːl/ v. (felt, felt)

احساس کردن

↳ **feeling** /'fiːɪŋ/ n.

احساس، احساسات

Write **appropriate** nouns after the following adjectives. **Then check** the **positive** adjectives.

بعد از صفت‌های زیر، اسم‌های مناسب بنویسید. سپس صفت‌های مثبت را تیک بزنید.

appropriate /ə'prəʊpɪət/ adj.

مناسب

then /ðen/ adv.

سپس، پس

check /tʃek/ v. n.

چک کردن، بررسی کردن، تیک زدن، چک

positive /'pɒzətɪv/ adj.

مثبت

↳ **affirmative** /ə'fɜːmətɪv/ adj.

مثبت

↳ **negative** /'negətɪv/ adj.

منفی

لکه هر دو کلمه **positive** و **affirmative** به معنی «مثبت» هستند. کلمه **affirmative** معمولاً برای اشاره به «جواب مثبت» و یا در گرامر برای اشاره به «جمله مثبت» استفاده می‌شود. کلمه **positive** جامع‌تر است و علاوه بر جواب یا جمله مثبت، برای خیلی چیزهای دیگر (مثل تأثیر مثبت و ...) هم به کار می‌رود.

a **polite** ... , some **lazy** ... , a **loving** ... , a **cruel** ... , two kind ... , some **careful** ...

یک ... مؤدب، چند ... تنبل، یک ... مهربان، یک ... بی‌رحم، دو ... مهربان، چند ... دقیق

polite /pe'laɪt/ adj.

(شخص) مؤدب، (عمل) مؤدبانه

↳ **politely** /pe'laɪtli/ adv.

مؤدبانه، به‌طور مؤدبانه‌ای

↳ **impolite** /ˌɪmpə'laɪt/ adj.

(شخص) بی‌ادب، (عمل) بی‌ادبانه

lazy /'leɪzi/ adj.

تنبل، (وقت) بیکار، توانم با تنبلی

loving /'lʌvɪŋ/ adj.

مهربان، با محبت

↳ **lovingly** /'lʌvɪŋli/ adv.

با مهربانی، عاشقانه

↳ **lovely** /'lʌvli/ adj.

دوست‌داشتنی

cruel /'kruːl/ adj.

بی‌رحم، ظالم

careful /'keəfəl/ adj.

مراقب، دقیق

↳ **carefully** /'keəfəli/ adv.

با دقت، با احتیاط

↳ **careless** /'keələs/ adj.

بی‌دقت، بی‌احتیاط

فایل صوتی



Conversation

مکالمه

Sara has been in the Children's **Medical** Center for a week.

سارا به مدت یک هفته در مرکز درمانی کودکان بوده است.

medical /'medɪəl/ *adj.*

(مربوط به) پزشکی، درمانی

She has **caught** a **terrible** **flu**.

او یک آنفولانزای خیلی بد گرفته است.

catch /kætʃ/ *v.* (caught; caught /kɔ:t/)

گرفتن؛ (بیماری مُسرّی) مبتلا شدن به

terrible /'terəbəl/ *adj.*

افتضاح، خیلی بد

flu /flu:/ *n.* (influenza)

آنفولانزا

The doctor told her to **stay** there to get better.

دکتر به او گفت که آنجا بماند تا بهتر شود.

stay /steɪ/ *v. n.*

ماندن؛ اقامت، توقف

There is a photograph of an old man on the wall.

عکسی از یک پیرمرد روی دیوار است.

While the nurse is **taking** her **temperature**, they start talking.

در حالی که پرستار تب او را اندازه می‌گیرد، آن‌ها شروع می‌کنند به صحبت کردن.

while /waɪl/ *conj.*

در حالی که، وقتی که

temperature /'temprətʃər/ *n.*

دما؛ تب

take sb's temperature

تب کسی را اندازه گرفتن

have a temperature/fever

تب داشتن

Sara: Excuse me, who is that man in the picture?

سارا: ببخشید، آن مرد در عکس کیست؟

Nurse: Oh, don't you know him? Have you **ever** heard of Dr. Mohammad Gharib?

پرستار: اوه، او را نمی‌شناسی؟ تا به حال در مورد دکتر محمد قریب شنیده‌ای؟

ever /'evə/ *adv.*

تا به حال، تاکنون

Sara: I **guess** I have only seen his name in my English book, but I'm not **sure** about it.

سارا: حدس می‌زنم که فقط اسم او را در کتاب انگلیسی‌ام دیده باشم، ولی در موردش مطمئن نیستم.

guess /ges/ *n. v.*

حدس؛ حدس زدن

sure /ʃʊr/ *adj. adv.*

مطمئن؛ (در پاسخ به سؤال یا درخواست) حتماً، البته

make sure

مطمئن شدن، اطمینان حاصل کردن

for sure

با اطمینان، به طور قطع، قطعاً، یقیناً

Nurse: Dr. Gharib was a famous **physician**. پرستار: دکتر قریب پزشک مشهوری بود.

physician /fɪˈziʃən/ n. پزشک، دکتر

Sara: Oh, can you tell me a little about his life?

سارا: اوه، می‌توانی کمی در مورد زندگی‌اش به من بگویی؟

Nurse: Dr. Gharib **was born** in Tehran in 1288.

پرستار: دکتر قریب در سال ۱۲۸۸ در تهران متولد شد.

be born /biː bɔːrn/ v. به دنیا آمدن، متولد شدن

be born into به دنیا آمدن در (نوع خانواده، ثروتمند، پرجمعیت و ...)

After **receiving** his **diploma**, he went **abroad** to study **medicine**.

بعد از دریافت دیپلمش، به خارج از کشور رفت تا پزشکی بخواند.

receive /rɪˈsiːv/ v. دریافت کردن

diploma /dɪˈplɒmə/ n. مدرک، دیپلم

abroad /əˈbrɔːd/ adv. (در) به خارج، خارج از کشور

نکته: حواسمان باشد که هیچ وقت قبل از abroad حرف اضافه in یا to نیاوریم. این کلمه یک قید است که مفهوم این حروف اضافه را در خود دارد.

go abroad (NOT **go to abroad**) به خارج رفتن

live abroad (NOT **live in abroad**) در خارج زندگی کردن

medicine /ˈmedɪsn/ n. پزشکی، دارو

In 1316 he **became** a physician and then came back to his **hometown**.

در سال ۱۳۱۶ پزشک شد و سپس به میهنش بازگشت.

become /bɪˈkʌm/ v. (became, become) شدن

hometown /ˈhəʊmlænd/ n. وطن، میهن

In 1347 this center was **founded** by Dr. Gharib and one of his **close** friends.

در سال ۱۳۴۷، این مرکز توسط دکتر قریب و یکی از دوستان نزدیکش تأسیس شد.

found /faʊnd/ v. تأسیس کردن

نکته: کلمه **found** هم می‌تواند گذشته و اسم مفعول فعل **find** به معنی «پیدا کردن» باشد و هم می‌تواند خودش یک فعل حال به معنی «تأسیس کردن» باشد که در این حالت، باقاعده است و همان‌طور که در این جمله کتاب درسی می‌بینیم، برای تبدیل آن به گذشته یا اسم مفعول باید به آن **ed** اضافه کنیم.

close /kloʊz/ adj. /kloʊz/ v. نزدیک، صمیمی؛ بستن

Sara: **Really**? I didn't know that. سارا: واقعاً؟ این را نمی‌دانستم.

really /rɪli/ adv. واقعاً

real /riəl/ adj. واقعی

reality /rɪˈæləti/ n. واقعیت

Nurse: Dr. Gharib was also a **generous** man. پرستار: دکتر قریب یک مرد سخاوتمند هم بود.

generous /dʒenərəs/ *adj.* سخاوتمند، باگذشت

He **spared no pains** to **cure** sick children.

او از هیچ تلاشی دریغ نمی کرد.

spare no pains از هیچ تلاشی دریغ نکردن

pain /peɪn/ *n.* درد؛ رنج

painful /ˈpeɪnfl/ *adj.* دردناک؛ آزاردهنده

cure /kjʊr/ *n. v.* درمان؛ دارو؛ درمان کردن

sick /sɪk/ *adj.* بیمار، مریض

He was very **friendly** and **helpful** to poor families.

او خیلی مهربان و اهل کمک به خانواده های فقیر بود.

friendly /ˈfrendli/ *adj.* (شخص) مهربان، با محبت؛ (رفتار) دوستانه، صمیمانه

این کلمه friendly با این که آخرش ly- دارد، یک صفت است، نه قید؛ مثل کلمات lovely و elderly که در بخش قبل خواندیم.

helpful /ˈhelpfl/ *adj.* مفید، سودمند؛ کمک کننده، اهل کمک

Not surprisingly, he was **regarded as a dedicated** physician.

تعجبی ندارد که او به عنوان یک پزشک متعهد به شمار می رفت.

not surprisingly تعجبی ندارد که، عجیب نیست که

surprisingly /səˈpraɪzɪŋli/ *adv.* به طور تعجب آوری، با کمال تعجب

surprising /səˈpraɪzɪŋ/ *adj.* تعجب آور

surprised /səˈpraɪzd/ *adj.* (+ at) متعجب

surprise /səˈpraɪz/ *n. v.* تعجب؛ متعجب کردن

regard /rɪˈɡɑːd/ *v.* به شمار آوردن، تلقی کردن

as /æz/ *prep. conj.* به عنوان؛ وقتی که؛ همان طور که؛ آن طور که؛ چون

این کلمه as کاربرد های مختلفی دارد. همان طور که در گرامر درس دوم زبان دهم خواندیم، این کلمه می تواند در ساختار as... as برای ساختن صفات برابری استفاده شود. علاوه بر این، این کلمه می تواند مثل این جمله کتاب درسی، یک حرف اضافه به معنی «به عنوان» باشد. در بخش های دیگر کتاب درسی، این کلمه به عنوان حرف ربط و به معنی «وقتی که»، «همان طور که، آن طور که» و «چون» هم به کار رفته است.

dedicated /ˈdedɪkətd/ *adj.* متعهد، از خود گذشته؛ مختص، اختصاصی

dedicate /ˈdedɪkeɪt/ *v.* وقف کردن؛ اختصاص دادن

Sara: It's a **pity**! I didn't know **such** a great man.

سارا: چقدر حیف! چنین آدم بزرگی را نمی‌شناختم.

pity /ˈpɪti/ n.

مایه تأسف، حیف

such /sʌtʃ/ det. pron.

چنین، چنان؛ خیلی

↳ **such as** /sʌtʃ 'æz/ prep.

مثلاً، مانند، از قبیل

Nurse: He was known as a **distinguished** university professor, too.

پرستار: او به عنوان یک استاد دانشگاه برجسته هم شناخته می‌شد.

distinguished /dɪ'stɪŋgwɪʃt/ adj.

متمایز، برجسته

↳ **distinguish** /dɪ'stɪŋgwɪʃ/ v.

تمایز قائل شدن، تشخیص دادن

The first Persian textbook on children's **diseases** was written by him.

اولین کتاب درسی فارسی در مورد بیماری‌های کودکان توسط او نوشته شد.

disease /dɪ'zi:z/ n.

بیماری، عریضی

He **taught** medicine to thousands of students. او به هزاران دانشجو، پزشکی درس داد.

taught /tɔ:t/ v.

گذشته و اسم مفعول فعل teach (درس دادن، یاد دادن)

↳ **thought** /θɔ:t/ v.

گذشته و اسم مفعول فعل think (فکر کردن)

Sara: Oh, what a great man he was!

سارا: او، او چه مرد بزرگی بوده است!

Nurse: **By the way**, it might be interesting to know that your physician was one of Dr. Gharib's students!

پرستار: راستی، شاید جالب باشد بدانی که پزشک تو یکی از دانشجویهای دکتر قریب بوده است!

by the way

راستی

Sara: Really?! That's interesting!

سارا: واقعاً؟! جالب است!

Answer the following questions **orally**.

به سؤالات زیر به‌طور شفاهی پاسخ دهید.

orally /ɔ:'reɪli/ adv.

به‌طور شفاهی

When was Dr. Gharib born?

دکتر قریب کی متولد شد؟

Why was Dr. Gharib regarded as a kind physician?

چرا دکتر قریب به عنوان یک پزشک مهربان به‌شمار می‌رفت؟

Have you seen Dr. Gharib **TV series**?

سریال دکتر قریب را دیده‌اید؟

series /'sɪrɪz/ n.

مجموعه، سری

↳ **TV series**

مجموعه تلویزیونی، سریال

کلمه **series** در ظاهر جمع به نظر می‌رسد، ولی این کلمه خودش هم مفرد است و هم جمع، یعنی شکل مفرد و جمع این کلمه یکی است.

قابل هوشی



New Words and Expressions

لغات و اصطلاحات جدید

expression /ɪk'spreʃən/ n.

اصطلاح، عبارت، بیان، ابراز

عبارت express /ɪk'spres/ v. adj.

بیان کردن، ابراز کردن؛ (قطار، پست و ...) سریع، سریع‌السير

Look, read and practice.

نگاه کنید، بخوانید و تمرین کنید.

Hamid sits on the sofa and watches TV all the time.

حمید همیشه روی کاناپه می‌نشیند و تلویزیون تماشا می‌کند.

sofa /'səʊfə/ n.

کاناپه

all the time

همیشه، دائماً

My grandfather feeds the pigeons in the park every morning.

پدربزرگم هر روز صبح در پارک به کبوترها غذا می‌دهد.

feed /fi:d/ v. (fed, fed)

غذا دادن به

pigeon /'pi:dʒən/ n.

کبوتر

Dad really shouted at me when I didn't do my homework.

پدرم واقعاً سر من داد زد وقتی که تکالیفم را انجام ندادم.

shout /ʃaʊt/ v.

فریاد زدن، داد زدن

shout at sb

(از روی عصبانیت) سر کسی داد زدن

shout to sb

(برای رساندن صدا) داد زدن و چیزی را به کسی گفتن

homework /'həʊmwɜ:k/ n. (uncountable)

تکلیف، تکالیف

We have to speak louder, because my grandmother is hard of hearing.

ما باید بلندتر صحبت کنیم، چون مادربزرگم کم‌شنوا است.

hard of hearing /,hɑ:d əv 'hiəri/ adj.

کم‌شنوا، دارای گوش سنگین

Ferdowsi was born in a village near Toos. فردوسی در روستایی در نزدیکی توس متولد شد.

My uncle went to his son and hugged him. عمویم به طرف پسرش رفت و او را بغل کرد.

hug /hʌg/ n. v.

بغل، آغوش؛ بغل کردن، در آغوش گرفتن

My little sister sits on my mother's lap all the time.

خواهر کوچکم همیشه در بغل مادرم می‌نشیند.

lap /ləp/ n. (در حالت نشسته) بغل، آغوش، روی پا
 لپ دو کلمه **lap** و **hug** در فارسی می‌توانند «بغل، آغوش» معنی شوند. ولی این دو کلمه کاملاً با هم متفاوت هستند. اگر مثال‌های این دو را در کتاب درسی یا هم مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که کلمه **hug** به حالت «بغل کردن و در آغوش گرفتن» اشاره دارد، ولی کلمه **lap** در واقع «قسمت روی ران یا در حالت نشسته و به عنوان تکیه‌گاه» است؛ مثلاً وقتی که بچه را در بغل خود می‌نشانیم یا سینی غذا را در حالت نشسته روی پای خود می‌گذاریم. کلمه **laptop** هم از همین معنی **lap** گرفته شده و در واقع وسیله‌ای است که می‌توانیم آن را در حالت نشسته، روی پای خود بگذاریم و با آن کار کنیم.

Read and practice. بخوانید و تمرین کنید.

burst into tears: to cry suddenly زدن زیر گریه: ناگهان گریه کردن
Aida burst into tears when she saw her score. آیدا زد زیر گریه وقتی که نمره‌اش را دید.

burst into tears/laughter... زدن زیر گریه/خنده...

burst /bɜːst/ v. (burst, burst) متفجر کردن/شدن، ترکاندن، ترکیدن

tear /tɪə/ n. اشک

suddenly /ˈsʌdnli/ adv. ناگهان، به‌طور ناگهانی

sudden /ˈsʌdn/ adj. ناگهانی

Aida burst into tears ... آیدا زد زیر گریه ...

لکه شکل حال، گذشته و اسم مفعول فعل **burst** یکسان است. در این جمله، کلمه **burst** به عنوان یک فعل گذشته به کار رفته است. حتی اگر بقیه جمله، گذشته بودن این فعل را نشان نمی‌داد، باز هم می‌شد به این موضوع پی برد. با توجه به این که فاعل این جمله (آیدا) سوم شخص مفرد است، اگر زمان **burst** در این جمله حال بود، باید S می‌گرفت و به شکل **bursts** نوشته می‌شد. تشخیص حال یا گذشته بودن جمله برای جواب دادن به بعضی از سؤالات گرامر لازم است.

score /sɔːr/ n. نمره، امتیاز

repeatedly: many times مکرراً، دفعات زیادی

I've told Mohsen repeatedly to talk politely to his teachers.
 من مکرراً به محسن گفته‌ام که با معلمانش مؤدبانه صحبت کند.

repeatedly /rɪˈpiːtɪdli/ adv. مکرراً، به دفعات

repeated /rɪˈpiːtɪd/ adj. مکرر، تکراری

repeat /rɪˈpiːt/ n. v. تکرار، تکرار کردن

forgive: to stop being angry with someone

بخشیدن، عیبانی بودن از دست کسی را متوقف کردن
Mom forgave me for breaking the vase. مامان من را به خاطر شکستن گلدان بخشید.

forgive /fərˈɡɪv/ v. (forgave, forgiven) بخشیدن، عفو کردن

stop /stɒp/ *n. v.*

ایستگاه: ایستادن، توقف کردن؛ متوقف کردن

↳ stop to do sth

ایستادن برای انجام کاری

↳ stop doing sth

مستوقف کردن گاوی

↳ stop sb/sth from doing sth

جلوی انجام کاری را گرفتن، مانع انجام کاری شدن

angry /'æŋɡrɪ/ **adj**

عصبانی، خشمگین

↳ angry with/at sb

عصیان از دست کسی

↳ angry about/at sth

عصبانی بابت چیزی

vase /vets, vez, voʊz/ n.

گلستان

calmly: in a quiet way

با خونسردی؛ به شکلی آوام

He always speaks slowly and calmly.

او همیشه آهسته و با خونسردی صحبت می‌کند.

calmly / kɑ:mlɪ, 'kɑ:mlɪ/ *adv*

یا آراضش، یا خوفسردی

→ **calm** /kɑ:m, kɑ:lm/ *adj.*

آرام، خوئسرد

quiet /'kwaɪət/ **adj.**

آرام، سہاگت

آیه خواصمان باشد که معادل فارسی کلمات، ما را به اشتباه نیندازد. برای هر سه کلمه *quiet, calm* و

slow می‌توانیم از معادل فارسی «آرام» استفاده کنیم، ولی این سه کلمه با هم تفاوت دارند. کلمه calm

به معنی «آرام، خونسرد»، کلمه quiet به معنی «آرام، ساکت» و کلمه slow به معنی «آرام، آهسته» است.

diary: a book in which you record your thoughts or feelings or what has happened

every day

دفتر خاطرات، دفتری که در آن افکار یا احساسات خود یا آنچه که هر روز اتفاق افتاده را یادداشت می‌کنید.

I have **kept a diary** for twelve years. من به مدت دوازده سال خاطرات خود را نوشته‌ام.

diary /'daɪəri/ n

دفتر خاطرات: دفتر سررسمید

↳ keep a diary

خاطرات خود را نوشتم

البه کلمهٔ **diary** به «دفتر خاطرات» یا «خاطرات مکتوب» اشاره دارد. برای صحبت در مورد «خاطرات در

ذهن، از کلمه memory استفاده می‌کنیم.

record /'rekərd/ *n.* /n'kɔ:rd/ *v.*

ثبوت، قیبط، یادداشت، قیمت کردن، قیبط کردن، یادداشت کردن

thought /θɔ:t/ n.

فكر

این کلمه thought در این جا به عنوان اسم استفاده شده است. علاوه بر این، این کلمه می تواند گذشته و

اسم مفعول فعل think (فکر کردن) هم باشد.

happen /'hæpən/ v

اتفاق اخیان